

خبرنامه

سال دوم

چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۹

شماره: ۵۲

باید در جریان مبارزات توده‌ها،
در هر شکل و سطحی که باشد،
قرار داشت و آنرا ارتقاء داد!

پیش‌بسیاری سازمان‌دهی مسلح توده‌ها:

تکثیر از

هوا داریان : چریکهای فدائی خلق ایران

تسخیر سفارت "موضوع سازمان مجاهدین خلق ایران" قسمت اول

هما نظور که میدا نید نشریه مجا هدر چند شما ره اخیر خودنا مه یکی از " دانشجویان پیرو خط امام " رامنتشر نمود. در این نامه شرحی از چگونگی " تسخیر سفارت " ومضمون ومحتوای آن واهدافی را که سردمداران این حرکت دنبال می نمودند آمده است. اما نکته جالب آنست که دوستان مجا هدا این نامه را دلیلی بر صحت تحلیلها و عملکردهای خود در طول جریان کذاشی "تسخیر سفارت" قلمداد کرده و بدینوسیله تما می آن موضعی را که در طول یکسال در مورد " دانشجویان پیرو خط امام " گرفته بودند، نادیده گرفته و از زیر پا سخگویی به مجموعه مواضع خود در رابطه با جریان سفارت طفره رفته اند.

ما در اعلامیه " مرگ امپریالیسم آمریکا، مرگ بفریبکاران (۳) " به تاریخ ۵۹/۹/۴ چنین گفته بودیم: " اکنون که مجلس شورای اسلامی و دولت جمهوری اسلامی در پی آنند تا جاسوسان آمریکایی را بدولت آمریکا تحویل دهند، زمان آن فرا رسیده است تا یکبار دیگر عملکرد " دانشجویان پیرو خط امام " ونقشی را که آنان از آغاز اشغال سفارت آمریکا تا به امروز بر عهده گرفته بودند، مورد ارزیابی قرار دهیم. اکنون تما می آن گروههای سیاسی که به حمایت از این " دانشجویان " برخاسته و عمل آنها را " انقلابی " خوانده بودند - با دیدن باره آنچه تبلیغ نمودند در مقابل خلق پا سخگوباشند. حرکت " دانشجویان پیرو خط امام " در طول یک سال گذشته آنچنان ماهیت این حرکت را آشکار ساخته است که هیچیک از آن دسته گروههای سیاسی ای که " دانشجو - یان پیرو خط امام " را نیروی " ضدامپریالیستی " نامیدند، نمی توانند با تکیه بر " عدم اطلاع از قضا یا از پا سخگویی طفره روند. " (تاکیدها در خود اعلامیه نیست). حال وقتی می بینیم که دوستان مجا هدر در مقاله " زمان وشکل بررسی مسئله گروگانها " در نشریه مجا هد (فوق العاده - شنبه دهم آبان ۵۹) می نویسند که: " مسأله ای مثل تصرف جاسوسخانه آمریکا و سرنوشت گروگانها که در عرض یکسال گذشته سایه به سایه تمام مسی سیاستهای خارجی ایران و در خلی می وارد در آءس مسائل سیاسی قرار داشته و تما می مردم ایران نیز خود را در آن شریک و سهیم دانسته اند..... " در می یابیم که به اهمیت مسئله آگا هند. و با وقتی " دانشجوی خط امام " در نامه خود به نشریه مجا هد (شماره ۱۰۱) می نویسند که: " و اینک هنگامیکه استفا ده های خود را در زمین بدان بدر کردن رقبا، پاکت کردن و فریب دادن مردم و..... از جریان اشغال سفارت آمریکا کرده اند و در واقع پس از اینکه برای بدستی بیش از یکسال مردم را به بازی گرفته و به ریش آنها خندیدند..... " (تاکید از ما است) می بینیم که از نظر دوستان مجا هد نیز اصولا " با ید این خواست ما که: " اکنون تما می آن گروههای سیاسی که به حمایت از این " دانشجویان " برخاسته و عمل آنها را " انقلابی " خوانده بودند با دیدن باره آنچه تبلیغ نمودند در مقابل خلق پا سخگوباشند " (اعلامیه مرگ امپریالیسم آمریکا، مرگ بفریبکاران (۳) خواستنی درست ومنطقی و در یک کلام خواستی انقلابی باشد.

با این تفصیل به نظر ما از جمله سازمانها می با یت در برابر چنین مسئله مهمی (تسخیر سفارت) مواضع یکساله خود را مورد ارزیابی قرار دهد، سازمان مجا هدین خلق ایران بود، زیرا از یکسوسازمان مجا هدین خلق ایران در شرایط کنونی دارای آن نیروی وسیعی است که چه بخواد و چه نخواهد و چه بخواد و چه نخواهد و چه بخواد و چه نخواهد در معادلات سیاسی نقشی مؤثر ایفا می کند تا آنجا که " دانشجوی پیرو خط امام " (از این پس او را دوست دانشجو می خوانیم) در نامه خود خطاب به دوستان مجا هدمی نویسند که: " می دیدم که چگونه در اولین روزهای اشغال سفارت که بیم حمله آمریکا میرفت شما و هواداران شما فداکارانه و با صداقت کامل، در شب و روز سرمای زمستان لحظه ای جلوی سفارت را ترک نمی کردید و عامل تعیین کننده ای در بسیج مردم بودید " (تاکید از ما است). از سوی دیگر سازمان مجا هدین خلق ایران دارای آن سابقه درخشان انقلابی است که هر نیروی سیاسی با تکیه بر آن می تواند از دوستان مجا هد بخواد هد که همچون یک سازمان انقلابی به ارزیابی عملکرد خود در باره واقعه - ای، آنهم واقعه ای به اهمیت جریان سفارت که در طول یکسال " سایه به سایه سیاستهای خارجی و داخلی " را دنبال مینمود و " در خلی می وارد در آءس مسائل سیاسی قرار داشت " و بسویله آن سردمداران حکومت " بسر ای مدتی بیش از یکسال مردم را به بازی گرفته و به ریش آنها خندیدند " بنشینند و بدون هیچگونه چشم پوشی و غماضی شجاعانه به گذشته خود بنگردند تا در این میان ثابت شود که تا چه اندازه به اصول انقلابی که میراث حنیف نژادها، سعید محسن ها، باکری ها، رضا شیدا و..... است پا ینداست زیرا بگمان ما سنت ها و گذشته انقلابی یک سازمان مسئولیت های آن را در برابر خلق صدخندان می سازد.

و دوستان مجا هد به " ارزیابی " می نشینند، اما چگونه ارزیابی ای ؟ آنها در مقدمه ای که به پرونا مه دوست

دانشجویان نوشته اند چنین میگویند: "براستی تاریخ برای کسانیکه چشمی برای دیدن و گویی برای شنیدن داشته باشد می تواند بسیار آموزنده باشد. خوب است کسانیکه پس از اشغال سفارت آمریکا "به به وجه چه" سردادند و مبارزه با امپریالیسم از جانب مرتجعین را در مسیری مطلوب پیش بینی کردند و به "جناح فدا مپریالیست درون سیستم" امید بسته بودند، اکنون نیز بیاری آنها برخاسته و بسواالات زیر پاسخ گویند....." و در ادامه میگویند: "ولی برای کسانیکه به قانومندیهای اجتماعی ایمان دارند، در همان سرآغاز اشغال لانه جاسوسی مشکل نبود که چنین چشم اندازی را در پیش روتصویر کنند. تمام جریانهای که از این حرکت تحلیل درست و درک روشنی نداشتند، به درجات مختلف دچار انحراف شده نتوانستند موضوعگیری مناسبی در برابر آن بکنند." (نشریه مجاهد - شماره ۱۰۱)

این "ارزیابی"! سازمان مجاهدین از تحلیلهای و تفسیرها و عملکردیکس له اش در باره جریان سفارت است. این "ارزیابی"! یک سازمان با آن سوابق درخشان مبارزاتی است. و این "ارزیابی" سازمانی سیاسی است که مرتجعان را بدلیل دروغوئیها و عوامفریبیهایشان مورد انتقاد قرار میدهد. و این "ارزیابی" آنچنان با تمام آنچه که ما در طول یکسال گذشته از مواضع سازمان مجاهدین در باره سفارت در ذهن داشتیم متناقض است که ما حتی به حافظه خود نیز شک کردیم!

دوستان مجاهد با این جملات چه می خواهند بگویند. اینک آنها چشم و گوش دیدن و شنیدن را داشته اند و به آنهائی که نه چشمی برای دیدن و نه گویی برای شنیدن حقایق تاریخی دارند توصیه میکنند که از تاریخ درس بیاوزند؛ و اینک آنها خود پس از اشغال سفارت آمریکا "به به وجه چه" سردادند؛ و اینک آنها پیش - بینی میکردند که "مبارزه با امپریالیسم" از جانب مرتجعین به کجا منتهی میشود؛ و اینک آنها هیچیک از جناحهای درون حکومت را ضدا مپریالیست نمی دانستند و به آنها امید بسته بودند؛ و همچنین به کسانیکه عکس این نظرات را داشتند انتقاد دارند و حال از آنها می خواهند که در مقابل مواضع غلطی که در یکسال گذشته گرفته و با این خیال که از جریان سفارت آبی گرم میشود، "به به وجه چه" سردادند و با تکیه بر آن جناحی از کمیت را ضدا مپریالیست میدانستند می خواهند که به برخی سقالات پاسخ دهند.

و با این حساب معلوم میشود که سازمان مجاهدین خلق با "دیدنی تاریخی" از ابتدای دانسته است که جریان سفارت چگونه برپا شده است، چه راهی را در پیش دارد و به کجا منتهی میشود و چه هدفی را دنبال میکند و دوستان مجاهدنه تنها با آن همصدائی نکرده و آب به آسباب ارتجاع نریخته اند بلکه توده ها را آگاه کرده و در این میان به تمامی آنهائی که در این فریبکاری بزرگ یا رویا و ارتجاع گشته بودند و به او کمک کردند تا یکسال تمام "بریش مردم ما بخندد" انتقاد دارند!!

و عجب که همه این سخنان همانطور که گفتیم برای ما غریب است و با نتیجه ای بسیار نه به حافظه خود بلکه بر آنچه که خود دوستان مجاهد و دوست دانشجوی مطرح کرده اند تکیه می کنیم تا حقایق روشن شود و به همین منظور مقدمه ای را که سازمان مجاهدین خلق بر نامه دوست دانشجوی در نشریه مجاهد شماره ۱۰۱ نوشته است با مواضع گذشته این سازمان مقایسه می کنیم تا حقیقت آشکار شود.

اما قبل از وارد شدن به بحثی بهتر است مشخص کنیم که آیا میشد از همان ابتدا به ما هیت جریان سفارت بی بردیانه؟ از نظر سازمان مجاهدین خلق پاسخ به این سؤال مثبت است زیرا میگویند: "ولی بسیاری کسانیکه به قانومندیهای اجتماعی ایمان دارند، در همان سرآغاز اشغال لانه جاسوسی مشکل نبود که چنین چشم اندازی را در پیش روتصویر کنند." (تاکید از ما است) ما نیز با این نظر دوستان مجاهد موافقیم زیرا در اعلامیه ای که چهار روز پس از اشغال سفارت پخش شد "مرگ برای امپریالیسم آمریکا، مرگ بر فریبکاران (۱)" ما گفته بودیم: "حادثه اخیر نیز در سهای آموزنده ای دارد. سفارت آمریکا ابتدا بوسیله پاسداران و ارسسی میشود، بعد عده ای وارد آن میشوند، درها را می بندند و از ورود مردم جلوگیری می کنند. در حقیقت "اشغال" سفارت با محاسبه کامل انجام پذیرفت و مثل همیشه از اینکه توده ها در این امر شرکت کنند، ممانعت بعمل آمد، زیرا اگر توده ها ابتکار عمل را بدست گیرند، آنوقت مجالی برای زد و بند و مصالحه باقی نمی گذارند. توده ها فقط "حق" دارند بر علیه آمریکا شعار دهند، و فردا که کار آنها با این فیصله یافت یا بیدمها این مسائل را فراموش کنند، "و پس در ادامه آن گفته بودیم: "آینده با وضوح تمام نشان خواهد داد که آقای خمینی و یارانش این بازی را به چه منظوری برپا نداشتند؛ آیندنشان خواهد داد که هدف آقای خمینی از این همه هیاهو نه پرورش روحیه انقلابی و ضدا مپریالیستی توده ها و نه برای پیستبرد مبارزه ضدا مپریالیستی، بلکه برای حمایت هر چه بیشتر و تحکیم را بطه خود با امپریالیست است. آینده نشان خواهد داد که چگونه دستگای تبلیغاتی با توطئه سکوت و با برآه انداختن جریانهای انحرافی، خاطره اشغال سفارت را از ذهن مردم خواهند داشت."

پس اگر میگوئیم که به نظر ما در آغاز این حرکت میثمد مضمون و محتوا و جهت آنرا تعیین نمود بدین خاطرست که خودبعینه نشان دادیم که دقیقاً "ماهیت اشغال لانه جاسوسی رادک نموده ایم .

البته دوست دانشجوی ما گویا عقیده دیگری دارد، او میگوید: "چندما هی می با بیست بگذرد تا ماهیت این مبارزه ضدا مپریالیستی به سبک نوین آشکار شود". ما گمان می کنیم که این نظر دوست دانشجو درست نیست زیرا نشان که خود ما نه چندما پس از اشغال سفارت بلکه در همان ابتدای کار به ماهیت این "مبارزه ضدا مپریالیستی به سبک نوین" پی برده بودیم و دوست دانشجویی توانمدمجموعه ها داشته های خود را از جریان سفارت با نوشته های ما درباره همین مسئله مقابله کننده تا صحت این ادعا براو ثابت شود، اما بغیر از این، عقیده دوست دانشجو را نه تنها تحلیل های ما بلکه سخنان دیگر خود او و نیز نقض میکند. فی المثل دوست دانشجو در قسمتی از نامه خود می نویسد: "به عنوان مثال به نمونه ی زیر که ۱۵ - ۱۵ روزی پس از اشغال سفارت اتفاق افتاد توجه کنید. هم زمان با گسترده تر شدن موج اعتراضات، فردی بنام "م-ک" که مسئول بلندگوی سفارت بود و شمار های بیرون را کنترل میکرد و حتی شعارهای بر علیه مجاهدین نیز میداد، به مرور با واقعات آشنا تر شد . وی پس از مدتی که با عملکردهای شورای هماهنگی روبرو شد و انتقاداتی نسبت به آنها مطرح کرد، به او اخطار کردند که "توداری نظم و انضباط را برهم می زنی و می با بیست امشب سفارت را ترک کنی"..... پس او اخطار کرد و ندانکه بدون هیچگونه سروضائی سفارت را ترک کند ولی هنگامیکه با مقاومت او روبرو شدند، دست و پای او را گرفته و از اتاق بیرون کشیدند. وی روی برنفا و روبرو به زمین افتاد و خدا را شکر کرد و گفت: "خدا بسا توشا هد باش که من حرف های خود را زدم. اینها در خط ضدا مپریالیستی حرکت نمی کنند و....."

مجموعه مسائلی که مخصوصاً "طلی این برخورد بوجود آمد، عده زیادی را تحت تاء شیر قرار داد و حتی چند نفر به تبعیت از او به سجده افتادند." (تاکیدها از ما ست)

آیا همین سخنان دوست دانشجو نظریه را در باره اینک "چندما هی می با بیست بگذرد تا ماهیت این مبارزه ضدا مپریالیستی به سبک نوین آشکار شود" رد نمی کند. هنگامیکه یک "دانشجوی پیرو خط امام" که شما "زیرمباران ایدئولوژیک های خامنه ای، موسوی خوئیینی ها و دیگر "دانشجویان پیرو خط امام" رادیو و تلویزیون و مطبوعات و... قرار داد و تا آنجا مسئولیت میگیرد که "شعارهای بیرون را کنترل کند و آنقدر فالانژ است که "شعارهای بر علیه مجاهدین نیز میداد" آنها پس از ۱۵ الی ۱۵ روز از آغاز نمایش سفارت بسه اصل قضیه پی می برد و به سجده می افتد و می گوید که "اینها در خط ضدا مپریالیستی حرکت نمی کنند و قضیه آنچنان آشکار است که به تبعیت از او چندتن دیگر از "دانشجویان پیرو خط امام" نیز به سجده می افتند، می توان پذیرفت که برای شناخت ماهیت این حرکت "چندما هی می با بیست بگذرد"؟ هنگامیکه یک دانشجوی فالانژ آنهم در آن شرایط که او قرار داشت، در عرض ۱۵ - ۱۵ روز به ماهیت این حرکت پی می برد، آیا می توان گفت که سازمانی، فی المثل سازمان مجاهدین خلق، بعنوان سازمانی که دارای تجربیاتی در امر مبارزه است نتواند ماهیت این حرکت را از همان ابتدا بشناسد؟ قطعاً "پاسخ منفی است و ما گمان می کنیم که دوست دانشجو با گفتن این جمله نداسته به آنها شی کمک میکند که می خواهند تحلیلهای و عملکردهای غلط سازمانی خود را درباره "جریان سفارت" توجیه نمایند و طبق آنچه که در بالا گفتیم نه ما با این نظر موافقیم و نه سازمان مجاهدین خلق می تواند آنرا تاء بید کند.

پس ما بحث بعدی خود را با قبول این نظر آغاز می کنیم که از نظر ما و از نظر سازمان مجاهدین خلق بسبک سازمان انقلابی می توانست و می با بیست که ماهیت این حرکت را از آغاز بشناسد و هرگونه دلیلی از قبیل این که در آغاز نمی شد پدیده را شناخت، مسئله ابتدا مبهم بود، اطلاعات دقیقی نداشتیم و..... که برای توجیه مواضع و عملکردهای غلط یک سازمان درباره جریان سفارت بکار گرفته شود غیر قابل قبول است.



دوستان محاهد در سرمقاله نشریه مجاهد شماره ۱۵۷ ("دعای مبارزه ضدا مپریالیستی در آزادی گروگا - نها") می نویسند که: "وبالآخره مساء له ای که می ماند مواضع مجاهدین در رابطه با گروگا نهاد است که این ظاهرا "برای کسانی که دیدشان به سختی از سطح وظا هر قضا یا به عمق آن نفوذ می کند محل اسبام و مورد سوال و یادستایی برای تشکیک و تردید در مواضع مجاهدین است. به خصوص وقتی که این عناصر و جریانها در مواضع مجاهدین شعارهای غیر مسئولانه و غیر عملی و چپ نمایانه نمی بینند و یا پیشنها دات و شعارهای را که بتوان دست آویزی برای لیبرال و سازشکارو... قلمداد کردن مجاهدین، قرار داد نمی با بند، بیشترا مربراً - یشان مشتبه میشود."

هنگامیکه دوستان مجاهد چنین نظری را ارائه میدهند، کارشده مواضع آنان در مورد جریان سفارت کد می

مشکل میشود و البته در شرایطی که جریانهای خا شنی همچون اکثریت، حزب توده و دارودسته پیمان برای سهم صدائی با حکومت وابسته از منحنی ترین موضع به سازمان مجاهدین خلق می تا زند، این سخنان دوستان مجاهد بنظر دلنشین می آید ولی به نظر ما تبلیغات و عملکرد ارتجاع و حمله ارتجاع بر علیه سازمان مجاهدین و سخنان سرمقاله شماره ۱۰۷ مجاهد هیچیک نمی تواند موجب آن شود که ما را از نقد مواضع سازمان مجاهدین خلق باز دارد. حقیقت آنست که آنچه برای ما مطرح است از قضا "مواضع مجاهدین در رابطه با گروگانهاست" اما بنظر خود ما، ما نه در سطح قضایا باقی مانده ایم و نه از این مسئله بعنوان "دستاویزی برای تشکیک و تردید در مواضع مجاهدین" استفاده می کنیم. نه شعارهای خود را غیر عملی و چپ روانه میدانیم و نه آنکه میکوشیم دوستان مجاهد را به لیبرالها و ساژکاران بچسبانیم. ما میکوشیم تا از موضعی انقلابی مواضع سازمان مجاهدین خلق را در رابطه با جریان سفارت مورد نقد قرار دهیم و اینکه نتیجه چنین بحثی چه خواهد شد، نه در اول بحث بلکه در انتهای آن قابل بررسی خواهد بود، چه بسا که نتیجه آن شود که در این مورد دوستان مجاهدین با "لیبرالها" بلکه پیش از همه با دارودسته حزب "فراگیر" جمهوری اسلامی همصدا شده باشند.

دوستان مجاهد در مقدمه ای که بر نامه دوست دانشجو نوشته اند (نشریه مجاهد شماره ۱۰۱) چنین میگویند "حدود یکسال از آغاز اشغال جاسوسخانه آمریکا و به گروگان گرفتن گروهی از عمال امپریالیسم و ظهور پدید آمدن بنام "دانشجویان پیرو خط امام" میگذرد. وقتی پس از گذشت این مدت به این جریان که یکچند در حیات سیاسی جامعه ما به جولان پرداخت و مسائل بسیاری را در میهن، تحت الشعاع قرار داد می نگرییم بخوبی می بینیم که این حرکت درسته به اندازه کم مایگی و عدم اصلتش عمری زودگذر داشت و بقول حضرت علی (ع): بلحق دوله وللباطل جوله.

برای حق، بقاء و پایداری و برای باطل، جولانی است. " (تاکیدها از ما است)

این جملات بدین معناست که دوستان مجاهد حرکت "دانشجویان پیرو خط امام" را حرکتی "کم مایه" و بدون "اصالت" میدانند و نقل قول بعدی بدین معناست که نه تنها این حرکت کم مایه و بدون اصالت بوده است بلکه کم مایگی و عدم اصالت آن ناشی از "باطل" بودن این حرکت بوده است. این موضع دوستان مجاهد در باره "دانشجویان پیرو خط امام" و حرکت آنان در شرایطی کنونی است اما آیا دوستان مجاهد در گذشته نیز چنین می گفتند و در شرایطی که "دانشجویان پیرو خط امام" با اشغال بیرنا مهریزی شده سفارت مبارزه ضد امپریالیستی توده ها را به کجراه می کشاندند، سازمان مجاهدین خلق بعنوان یک سازمان مبارز و مترقی و بعنوان یک وظیفه انقلابی به توده ها می گفت که زنهار، این حرکت کم مایه و بدون اصالت و از همه مهمتر باطل است یا نه؟

دوستان مجاهد در رابطه با همین سؤال است که کوشش دارند تا به گذشته اشاره نکنند و ما بخاطر این سخگوشی به همین سؤالی که به آنچه دوستان مجاهد در گذشته گفتند رجوع میکنیم تا ببینیم که چگونه بر "کم مایگی" و "عدم اصالت" و باطل بودن این جریان در گذشته تاء کید داشته اند.

دوستان مجاهد در مقاله "مسئولیت شورای انقلاب" در نشریه مجاهد شماره ۱۰ (دوشنبه ۲۱ آبانماه ۵۸) در پاسخ به کسانیکه ابهاماتی در باره این حرکت داشته اند، چنین میگویند: "اما وقتی لانه جاسوسان آمریکائی تسخیر شد از گوشه و کنا رشنیدیم که برخی به ورود تمام عیار ما به صحنه و ویژه آمدگی نظا می در حمایت از خطوط ضد امپریالیستی امام ایراد گرفته اند و مثلاً "ما میگفتند: آیا این جریان یک نقشه مثلاً برای تحت الشعاع قرار دادن امر خطیر قانون اساسی نیست؟ و ما باز هم پاسخ داده و میدهیم که: اگر اقدامی درست و اصولی است باید به آن ارج گذاشت. همچنین اگر فرد یا گروهی در یک نیت یا عمل خیر بر مسا پیشی جست از قضا ما باید بخاطر این سبقتی و سبقتی او را دوچندان تقدیر کنیم." (تاء کیدها از ما است) آری دوستان مجاهد در برابر کسانی که یک سؤال درست را مطرح کرده اند نه تنها پاسخی نمی دهند بلکه حرکت "کم مایه" و بدون "اصالت" و "باطل" "دانشجویان پیرو خط امام" را "اقدامی درست و اصولی" دانسته که "باید به آن ارج گذاشت" و جالب آنکه سازمان مجاهدین خلق معتقد است که "دانشجویان پیرو خط امام" بر این سازمان پیشی جسته و به همین منظور پیشنها دمیکند که "بخاطر پیشتازی و سبقت" با آنها را "دوچندان تقدیر" کرد.

مجا هدین که امروز ظهور پدید آمده ای بنام "دانشجویان پیرو خط امام" را "باطل" میدانند و معتقدند که "این حرکت به اندازه کم مایگی و عدم اصلتش عمری زودگذر داشت" در تمام مدت این "عمر زودگذر" یعنی قریب به یکسال ماهیت آنرا اینچنین به توده ها معرفی می کردند:

"در این هفته شاهد اقدام ضد امپریالیستی اشغال لانه جاسوسی آمریکا از جانب دانشجویان بودیم...."

(نشریه مجاهد شماره ۱۰ مقاله "دانشگاه و انقلاب" - تاء کیدازماست)

ویا عمل قهرمانان نه دانشجویان، در تصرف لانه جاسوسی و تبدیل شدن این نقطه به کانون فروزان شور
 خدا مپریالیستی (نشریه مجاهد شماره ۱۲ - مقاله "دانشگاه و انقلاب" - تاء کیدازماست)
 "گروهی از دانشجویان قهرمان موفق به تسخیر سفارت آمریکا یعنی مرکز توطئه و فساد و طرح نقشه های
 شوم شدند با توجه به لزوم حمایت هر چه بیشتر از برادران و خواهرانی که در داخل سفارت هستند
 لازم است که هر چه بیشتر با راهپیمائی یا بطور انفرادی در مقابل سفارت جمع شده (نشریه
 مجاهد شماره ۱۱ - مقاله "برترین وظایف دانش آموزان در جریان مبارزه ضد مپریالیستی - آمریکا ئی"
 - تاکیدها ازماست)

همچنین سازمان مجاهدین در اعلامیه ۲۶ آبان ۵۸ می نویسد: "تا آنکه پس از ماها انتظار دانشجویان
 قهرمان پیرو خط امام، بار دیگر شور ضد مپریالیستی مردم را وسیعاً برانگیختند چنین است که بار دیگر
 با یادآوری حرکت شکوهمندی که دانشجویان قهرمان پیرو خط امام برانگیختند"
 در شرایطی که حکومت برای فریب توده ها اشغال سفارت آمریکا را مستمسک قرار می داد و با تزیینات
 آنرا بعضوان حرکتی ضد مپریالیستی، در مقابل حرکات واقعا "فدا مپریالیستی مردم قرار میداد، سازمان
 مجاهدین نیز صفحات نشریه خود را با جملات تاء بیدی از "حرکت کم مایه و بدون اصالت و باطل" "دانشجویان
 پیرو خط امام" می انباشت و آنرا اقدامی ضد مپریالیستی جلوه میداد، آنچنان که گویا "دانشجویان قهرمان
 پیرو خط امام" به قصد زنده کردن شور مبارزه ضد مپریالیستی در توده ها، سفارت را اشغال کرده و آنرا بسه
 کانون فروزان شور ضد مپریالیستی "تبدیل کرده اند."

سازمان مجاهدین بنا به تحلیل خود از جریان اشغال سفارت که به گوشه ای از آن در بالا اشاره کردیم،
 "نتایج مثبت" این حرکت "کم مایه و بدون اصالت و باطل" را نیز در همان زمان مورد بررسی قرار میداد:
 "حرکت دانشجویان پیرو خط امام صف بندی نیروها را مشخص کرد و خط امام" را که ضد مپریالیست است
 از جریانهای که بناحق خود را در آن جا می زند و از "پیروان اصیل امام" نبودند، جدا کرد، آگاهی طبقه
 کارگر را بآلای وحدت اصولی رانشان داد." (نشریه مجاهد شماره ۱۲ مقاله "دانشگاه و انقلاب") و بیجا:
 "در جریان اشغال لانه جاسوسی و مخصوصاً "با آغاز افشاگریهای انقلابی دانشجویان پیرو خط امام مشاهده
 می کنیم که (همان مقاله - تاء کیدازماست)

اما کارروشنگری دوستان مجاهد به همین جا ختم نمی شود. آنها جا بجای این حرکت "باطل" را
 "افشاء!" می کردند و پس از ارزیابی "نتایج مثبت" آن رهنمودهایی به هواداران میدادند. جهت همه این
 رهنمودها تاء بید و پشتیبانی کامل از حرکت "دانشجویان پیرو خط امام" بود. مثلاً "سازمان مجاهدین هنگام
 میکه به دانش آموزان خود رهنمود میدهد میگوید: "با توجه به لزوم حمایت هر چه بیشتر از برادران و خواهرانی
 که در داخل سفارت هستند لازم است که هر چه بیشتر با راهپیمائی یا بطور انفرادی در مقابل سفارت جمع
 شده"

ویا توسط دانشجویان هوادار خود چندین راهپیمائی در تاء بید و پشتیبانی از حرکت "دانشجویان پیرو
 خط امام" انجام دادند و با از مردم خواستند که در حمایت و پشتیبانی از "دانشجویان پیرو خط امام" روزه -
 سیاسی بگیرند و

در این زمینه خصوصاً "یادآوری تبلیغات مجاهدین در رابطه با کارگران بی مناسبت نیست. در مقاله
 "مبارزه با مپریالیسم بکارخانه کشیده میشود" (نشریه مجاهد شماره ۱۱) چنین آمده است: "آنها (شورای
 کارگری) هممدا با دانشجویان مستقر در لانه جاسوسی آمریکا بر ضرورت مبارزه با آمریکا تکیه می کنند، آنها
 خطاب به مدیریت می گویند: الان جوانان ما لانه جاسوسی آمریکا را اشغال کرده اند ما کارگران بعد
 از نماز بطرف این لانه جاسوسی راهپیمائی می کنیم (تاء کیدازماست)

دوستان مجاهد با این حملات به کارگران چه چیزی را تفهیم میکردند؟ آیا آنها از "عدم اصالت"
 "دانشجویان پیرو خط امام" و "باطل بودن حرکت آنان سخن میگفتند؟ آیا "مدای" دانشجویان مستقر در
 لانه جاسوسی آمریکا، تکیه بر "ضرورت مبارزه با آمریکا" است که کارگران، با آن "هممدا" شوند؟ چرا دوستان
 مجاهد به کارگران نمی گفتند که "شورای انقلاب" با فرصت بدست آمده از جریان سفارت، هرگونه تحصن
 و راهپیمائی و اعتصاب را فی الفور ممنوع اعلام کرد و آنرا "توطئه آمریکائی" خواند. چرا دوستان مجاهد به
 کارگران نمی گفتند که در نماز جمعه یا استقفا ده از حرکت همین "دانشجویان قهرمان پیرو خط امام" حکومت
 نمازگزاران را به "تسخیر" خانه کارگر که محل تجمع کارگران بیکاری بود، که برای تهیه قوت لایموت زن و

فرزندان نشان مستاء صل شده بودند فراخواند؟ و چرا دوستان مجاهدیه کارگران نمی گفتند که حکومت به عده ای - از کارگران کارخانجات گفت که "آمریکا شیها به تلافی جریان سفارت عده ای را در خانه کارگر به گروگان گرفته - اندوما باید به آنجا حمله کنیم" سپس بدست این کارگران ناآگاه که توهمات آنان را همین دوستان مجاهد با تبلیغات و حمايتهاي "بی دریغ" خود هر چه بیشتر دامن زدند، جماعی دادوآنان را به سروقت کارگران بیکاری فرستاد که از گرسنگی دیگر بجان آمده بودند؟

آری دوستان مجاهد را در آن زمان با این حقایق کاری نبود، آنها تمام امکانات تبلیغاتی خود را برای پشتیبانی از "اقدام فدا مپریالیستی" دانشجویان قهرمان "بکار گرفته بودند و در مورد کارگران نیز تمام سعی خود را در جلب پشتیبانی آنها از "کانون فروزان شور فدا مپریالیستی" که "دانشجویان قهرمان" افروخته بودند، بکار می بردند. آنها در نشریه مجاهد شماره ۱۷ (سهشنبه ۱۱ دیماه ۵۸) نوشتند: "این بار شکوه مبارزه فدا مپریالیستی را در مشتبهای گره کرده کارگران و فریاد مرگ بر آمریکا ایثارگران شاهد بودیم. فریادهائی که از جلو جاسوسخانه آمریکا از گسوی این سرسخت ترین دشمنان امپریالیسم بلند بود...."

آیا برآستی دوستان مجاهد که بنا بر ادعای خودشان به قانومندیهای جامعه ایمان دارند متوجه نبودند که مبارزه فدا مپریالیستی کارگران را که به تاء بید مجاهدین نیز، سرسخت ترین دشمن امپریالیسم هستند، به کجراه می کشاندند؟ آیا آنها نمی دانستند که تشویق کارگران به پشتیبانی از جریان سفارت و ترتیب سب راهیما شیها به طرف سفارت آمریکا، جاتی که حرکت "کم مایه بدون اصالت و باطل" دانشجویان پیرو خط امام "در آن صورت می گرفت مبارزه فدا مپریالیستی نیست؟ شاید مجاهدین تصور میکردند هنگامیکه "دهها هزار نفر از کارگران بنز خاور، جنرال موتورز، کفش وین، شرکت بوتان، داروپخش، به دعوت شورای اسلامی کارگران دست به یک راهیمائی زدند" (نشریه مجاهد - همان مقاله) و مجاهدین به تبلیغ آن پرداختند، وظیفه خود را در آن مقطع نسبت به کارگران ادا کرده و آنها را به مبارزه فدا مپریالیستی کشانده اند و اگر نیروئی با افشای ماهیت ضد انقلابی حرکت "دانشجویان پیرو خط امام" و افشای عملکرد فدا خلی "شورای انقلاب" به کارگران می آموخت که جریان سفارت نه تنها مبارزه فدا مپریالیستی نیست، بلکه مبارزه ضد - امپریالیستی با فشاری کارگران بر روی خواسته های سرخ خویش و مبارزه جهت نابودی این رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی می تواند صورت گیرد، "مواضع غیر مسئولانه و غیر عملی و چپ نمایانه" اتخاذ کرده است؟

ما در همان موقع که "شورای انقلاب" با استفاده از فضای موحود، برای کارگران خط و نشان می کشید و نیروهای سرکوبگر، به سرکوب مبارزات فدا مپریالیستی مردم مشغول بودند، در اعلامیه "مرگ برای امپریالیسم آمریکا، مرگ بر فریاد کاران (۲)" به تاریخ ۵۸/۹/۱ نوشتیم: "ژست فدا مپریالیستی اخیر رژیم، همانطور که انتظار میرفت با سرکوب مجدد مبارزات فدا مپریالیستی توده ها تواءم شد. اینبار هم آنها در عین حال که با تبلیغات عوام فریبانه سعی کردند خود را مدافع خلق بحساب آورند، "شورای انقلابشان" به صدور اعلامیه ای بر علیه کارگران و زحمتکشان پرداخت و هر نوع تحصن و اعتصاب را با بزرگب آمریکائی محکوم نمود، با ایسن روند معلوم است که آنها با ترتیب تسخیر سفارت آمریکا، وعده سرکوب خشن را به زحمتکشان میهنمان میدهند، ما همچنین در جزوه "سازش طبقاتی زیر پوشش مبارزه فدا مپریالیستی" در جواب به "جریان منحط کار" که بسمه بها نه سفارت از کارگران خواسته بود که حکومت را "یاری فعال و نامحدود نمایند" نوشته بودیم: "مسأله دیگری که نویسندگان آن مقاله (منظور مقاله نشریه کار بود - توضیح از این مقاله است) تبلیغ می کنند در رابطه با اشغال سفارت آمریکا است. اینان کوشش دارند تا آنرا مبارزه ای "فدا مپریالیستی" وانمود سازند و "فارغ از این اندیشه" که اشغال سفارت به چه منظوری و برای سرپوش نهادن به چه مسائلی انجام گرفته است، از همان ابتدا به تبلیغ آن برخاسته اند. اگر آگاه نمودن کارگران را آن تبلیغاتی بدانیم که دوستان مجاهد در رابطه با جریان سفارت انجام داده اند، قطعاً "این سخنان ما نیز جز - - - مواضع غیر مسئولانه و چپ نمایانه" چیزی دیگری نخواهد بود!

نما تمام



حملة ددمنشانه حکومت به مراسم یادبود شهداء محکوم است!

در روز ۱۱ اسفند، پاسداران حکومت جمهوری اسلامی وحشیانه به مراسم سالگرد شهادت ۱۰ تن از جریکهای فدائی خلق، رفقا: مسعود احمدزاده، عباس مفتاحی، مجید احمدزاده، اسدالله مفتاحی، حمید توکلی، غلامرضا گلوی، بهمن آژنگ، مهدی سوالونی، سعید آریان و عبدالکریم حاجیان - سه پله که در سال ۵۰ توسط حکومت محمدرضا شاهی تیرباران شده بودند، یورش بردند. آنها با یورش به خانه مادر جریک فدائی خلق رفیق شهید بهمن آژنگ، خانواده شهداء را دستگیر و به آزار و اذیت آنان پرداختند.

حکومت محمدرضا شاه خائن از خاطره شهدای خلق با اندازه خود رزمندگان قهرمان هراس داشت و بهمین دلیل میکوشید تا با آزار و اذیت و تهدید خانواده شهداء، جلوی هرگونه تجمع را که بمناسبت شهادت و یا سالگرد شهادت این بهترین فرزندان خلق برگزار میشد، بگیرد. اما اگر رژیم محمدرضا شاهی میکوشید تا این اعمال را پنهان از چشم مردم میهنمان انجام دهد، سردمداران حکومت جمهوری اسلامی، نه تنها این اعمال را وحشیانه تر و ددمنشانه تر انجام میدهند، بلکه علناً و آشکارا به آزار و اذیت خانواده شهداء میپردازند.

سندینیه ۱۲ اسفند ماه ۱۳۵۹
۲۵ ربیع الثانی ۱۳۵۹
مردن ۱۹۸۱
شماره ۳۳۰

صبح آراسته

در یک جلسه

۹۰ نفر از فدائیان خلق
همراه با ظاهر شدند
در دستگیر شدند

دانشگاه پلیس
به احتمال فراوان اعضای گروه انترف در میان نیز حضور داشته اند.

این افراد در خانه ای بازداشت شدند

آنها در گنبد خانواده شهداء را به "جرم"! ملاقات با مادر شهید توماج به زندان انداختند و کوشیدند تا سرحد ممکن آنها را آزار دهند و مادر شهید جزئی را، علیرغم بیماری شدید، در زندان نگاهداشتند و اینبار با تهاجم به مراسم سالگرد شهادت ۱۰ تن از جریکهای فدائی خلق، لکه ننگ دیگری از خود برجای گذاشتند و چهره ننگین خود را آشکارتر ساختند.

هدف هجوم آبسه پادار مسلح به مادران و پدران و دیگر افراد خانواده شهداء، چه چیز میتواند باشد جز آنکه اینان همچون محمدرضا شاه، از خاطره انقلابیون نیز هراسانند؟ ای عافیت جویان که خود در گذشته به حمد و شای "آریامهر" مشغول بودند و با آنکس اوج "مبارزاتشان"!! آن بود که مردم را به سکوت و معاشات دعوت میکردند، میبایست هم که از یاسد بهترین فرزندان خلق که در سخت ترین شرایط و با تحمل شکنجه های وحشیانه ساواک محمدرضا شاهی جان خویش را فدای راه رهایی خلق قهرمان ایران نمودند، بهر اسند.

دستگیری خانواده شهداء و آزار و اذیت آنان به "جرم"! برگزاری مراسم سالگرد شهادت فرزندان شان، تنها بیانگر چهره ضد خلقی حکومت است.

هرچه برافراشته تریاد پرچم خونین جریکهای فدائی خلق ایران
 مـرک بـر دغـلکـسـارـان و فریبکـسـارـان
 مـرک بـر امپریالیسم و سکهای زنجیریش

بـا ایـمـان بـه پیـروزی راهمـان
 جریکهای فدائی خلق ایران ۱۲ / ۱۲ / ۵۹

شماره: ۶۲



درباره جنگ مها باد

مها باد سومین جنگ خونین خویش را از سر میگذراند. دشمن نقاط استراتژیکی نظیر تپه‌های "داشامجید" و برخی ارتفاعات دیگر اطراف شهر را اشغال کرده است تا به خیال خود جنبش دلیرانه خلق کرد را که اینبار در قهرمانیها و پایداری حماسی مردم مها باد و پیشمرگان نیروهای انقلابی و مبارز، بیشتر از هر جای دیگری متجلی شده است، درهم شکند. رژیم جنایتکار، یکبار در گذشته نیز کوههای استراتژیک "آربا با" را تصرف کرده بود تا آنجا را پایگاهی برای سرکوب جنبش خلق کرده نماید. سرکوب خلق رزمنده ایکه برای برانداختن یوغ اسارت حاکمیت وابسته از کرده خلقهای ایران، مبارزه مسلحانه را با خونبارترین نبردهای تاریخ معاصر تداوم بخشیده و با جنگی توده‌ای، پشت امپریالیسم و ارتجاع را بلرزه در آورده است.

مبارزات خلق کرد نشان داد که دشمن، با وجود موفقیت‌های زودگذری که نصیبش میشود و با وجود پیروشهای - شقاوت آمیزش که با کثیفترین و جنایت بارترین غارتها، تاجا و زبانه نوایس مردم و کشتار رپی مردم، پیرزنان و کودکان بی دفاع بوسیله مجهزترین ادوات نظامی امپریالیستی همراه است، باز هم سرانجام نصیبی جز شکست ندارد و سر نوشت مزدوران آن جز مرگ و نیستی چیز دیگری نیست. پیروزی نهایی از آن خلق و نیروهای - مسلح آن است که در راه آرمانهای انقلابی و ترقیخواها نه توده‌ها مبارزه میکنند. همین واقعیت بود که در شعار "هزاره بژی پیشمرگه، دژمن نصیبت مرگه" متجلی شد و امواج توفنده این شعار در سراسر آسمان میهنمان طنین انداخت و مزدوران امپریالیسم و ارتجاع را متوحش ساخت.

اکنون نیز دشمن تصور میکند با تصرف تپه‌های مذکور پیروزی بزرگی بدست آورده است!! تانکهای ارتش مزدور بر بالای تپه‌ها مستقرند و خمپاره اندازها، مسلسل‌های کالیبر پنجاه و سایر تجهیزات دشمن گاه بطور مداوم و گاه بطور پراکنده تنوره میکشند و راهها و خیابانها، ساختمانها و سایر نقاط تحت کنترل مردم را به آتش میکشند. پاسداران ضد خلقی نیز از هیچ جنایتی برای سرکوب مردم مها باد فروگذار نمیکند. آنها دست بسازمانده‌ی تیم‌های یازده نفره گشت و شناسایی و آزار و کشتار زده‌اند. این تیمها متشکل از یک جاش و ده پاسدار می باشد که در برخی از مناطق شهر گشت میزنند. بد پاسداران مزدور سلام و احوالپرسی بزبان کردی را یاد داده اند تا استتاری باشد برای هویتشان. ضمناً "همه آنها بالباس کردی در شهر میگردند، با این هویت مبدل آنها راه مردم را سد میکنند و ایشان را مورد اذیت و آزار قرار میدهند.

افزون بر آن تعداد انگشت شماری جاش نیز برای آربا با ن مزدور خود که به سرکوب توده‌ها برخاسته‌اند دم می‌جنبانند. اما جنگ خلق دیگر در شرایطی نیست که اینگونه زالوها بتوانند تا مدتی مدیده‌خیا نتهای خود را بدهند و بی پاداش بمانند! چنانکه یکی از آنها بنام "اکبر خیری" چندی پیش در حمله به رادیو و تلویزیون که توسط پیشمرگان قهرمان صورت گرفت کشته شد و برادر او "حمید خیری" که همچون "اکبر خیری" خائن به مردم بود، اندکی بعد برادرش را از عذاب تنهائی نجات داد و به او پیوست!! همچنین خانه یکی دیگر از آنان بنام "خالد براق" بوسیله مردم به آتش کشیده شد.

از اینها گذشته ملاحظاتی، دشمن معروف خلقهای ایران بخصوص مبارزین و آزادخواهان کردستان و آذربایجان جاشهای مزدور خود را با نام "گروه بسیج" روانه مها باد کرده است تا در پیشبرد مقاصد امپریالیسم و ارتجاع دوش بدوش همکیشان مزدور خود در سپاه پاسداران و ارتش، خلق کرد را بخاک و خون بکشند.

هلی کوپترهای دشمن نیز دمی بیکار نیستند، آنها پروازهای شناسایی انجام میدهند تا موقعیت نیرو - های جنگ و ررا مشخص کنند. ولی درجا نیکه غیر از تعداد بسیار ناچیزی جاش خائن و خود فروخته، کلیه مردم یکپارچه با سلاح خویش سینه خصم را نشان نه رفته اند و هر یک در حد توان خود به جنگ عادلانه خویش، با ری می‌رسانند، اینکار دشمن مانده است که بخواهد با تکاء به تجهیزات نظامی خود در لابلای امواج دریای توده‌ها، از دور جایگاه ما هیان را مشخص نماید! و با در میان شاخ و برگهای جنگلی انبوه و شاداب، تعیین کند که کدام درختان باعث سرسبزی و طراوت و تندورسشان ایستادن مردن است!!

اما از سوی دیگر، اگر از حمایت‌های معنوی و مادی مردم سایر نقاط ایران بگذریم، تمام خلق کرد دست در دست یکدیگر در جنگ مها باد شرکت دارند. این یکی از عظیمترین تجلیات همبستگی و قدرت لایزال توده‌ها است که با وجود اینهمه فشار و سرکوب و در این موقعیت دشوار که حتی گذاردن یک زندگی معمولی نیز به سختی امکان پذیر است، بیاری مستقیم و غیر مستقیم کردهای آزاده از دور افتاده ترین روستاهای کردستان نیز بسوی - مها باد سرازیر است. آزادخواهان قهرمان کردستان، چه بصورت انفرادی و چه بصورت جمعی از کلیه نقاط کردستان دست بکار تاء مین تدارکات مورد نیاز جنگ، مها باد میکنند. آنها تا بحال خوارها نان برای مردم

مها با دفرا هم کرده اند زیرا در شهر مها با دمدتهاست که تا نواشی ها زیر فشار جنگ قادر به تهیه نان نیستند. مردم تا آنجا که خود توانسته اند کار حمل و نقل این نانها و سایر وسایل مورد نیاز به مها با در آن نیز بعهده گرفته اند و زنان و دختران برای عزیزان جنگا و خود لباسهای گرم می بافند.

شور و عشق به مبارزه و مبارزان اکنون بیش از هر زمان دیگر بروز میکنند. جنگهای اخیر خلق کرد با آنچنان عمقی و آنچنان سرعتی توده ها را تعلیم داده است که بیک معنا قابل قیاس با دوران طولانی پیشین مبارزات خلقهای ایران نیست. حتی عناصر متزلزل نیز اگر چه فعالانه با توده ها همراهی نمی کنند، اما از جنگ مردم حمایت معنوی بعمل می آورند. در این میان بودند عناصر سرشارا فتمندا ما تا آگاهی که بدلیل عدم شناخت بسر خوردی انفعالی با مسئله جنگ داشتند، اما حتی این نیز بدان سبب بود که نمی خواستند بمبارزه قهرمانانه خلق کرد ضربه بزنند. مثلا "در حدود دهم بهمن ماه یک کارگر شهرداری در یکی از میادین شهر مها با دست بسره خود سوزی زد و بدین ترتیب فردی دیگر به قربانان جنگ افزوده شد. وی قبل از آتش زدن خود فریاد زد که چون برای ادامه زندگی آه در بساط ندارد و از سوی دیگر وجدانش به او اجازه نمیدهد که جاش شود، پس دیگر بدلیل سیاسی برای زنده ماندن خود نمی بیند.

توده ها با هشیاری بیشتری از گذشته با مسائل جنگ روبرو میشوند. مثلا "کافیست یک جاش درخیا با آنها ظاهر شود، صدها جفت چشم این انگل کثیف را زیر نظر میگیرند و یکدیگر را از حضوری آگاه میسازند. مردم حتی در مورد مسائل نظامی جنگ نیز که ظاهرا "امری مربوط بسره پیشمرگان و دست اندرکاران جنگ و راست تجربه اندوخته اند و در باره آن نظر میدهند. هر کس در اولین برخورد با مردم مها با دیده این نتیجه میرسد که آنها شدیداً "خواستار ادامه جنگ تا پیروزی اند. مثلا "مردم مها با در سخنان خود مرتباً "به تجربه جنگهای پیشین اشاره میکنند که خاتمه جنگ بدون پیروزی خلق و خروج پیشمر-

مردم مها با در سخنان خود مرتباً به تجربه

جنگهای پیشین اشاره میکنند که خاتمه جنگ

بدون پیروزی خلق و خروج پیشمرگه ها از شهر و یا

پا نین گذاردن اسلحه به معنای ورود خونخواه

ران ارتشی و پاسدار به شهر و کشتار و شکنجه و

تجاوز و غارت مردم شهر از سوی آنان است.

گه ها از شهر و یا پا نین گذاردن اسلحه به معنای ورود خونخواهان ارتشی و پاسدار به شهر و کشتار و شکنجه و تجاوز و غارت مردم شهر از سوی آنان است. به این دلیل مردم با گوشت و پوست خود لزوم ادامه جنگ را تا هر زمان که بدرازا بکشند حس میکنند و ایمان به جنگ برای برانداختن جنگ با اعتقادات آنها کاملاً عجین شده و اینرا از صحبتهای آنان براحتی می توان فهمید. جای شگفتی است که در یک چنین فضای برخی از نیروها با این استدلال که "شرایط ذهنی آماده نیست"؟! اعلان کنند که در جنگ شرکت نخواهند کرد. البته خود نفس حضور عا - صری با اینگونه اعتقادات در شهر، تن دادن به جنگ را به آنان تحمیل میکند و آنها که عمری به دنیا لاه روی از توده ها خو گرفته اند برخلاف معتقدات خویش به حال با توده ها در جنگ همراهی میکنند. از آنجا که جنگ عا - لانه عالیترین پالایش دهنده کژی هاست، امیدست که اینگونه نیروها نیز در جریان خود جنگ و در برابر فشار واقعیات بیرونی کج اندیشی ها را از خود بزداید و بیش از این توده ها را با یافته های ذهنی خود تهدید نکنند در غیر این صورت سرانجام آنها از همان جایی سردر خواهند آمد و در کما کثرت خائن سردر آورد.

پیشمرگه های چریکهای فدائی خلق نیز در جریان فعلیتهای خود بعنوان گامی برای هموار کردن راه پیروزی خلق کرد و نشان دادن قدرت توده ها به دشمنان خلقهای سراسر ایران و در اینجا بخصوص خلق کسرد، دست به اعدام انقلابی جاش معروف ستزی، عبدالله قاسم معروف به عبه قاسم زدند. گرچه طبق آخرین گزارشات این جاش هنوز نمرده و در بیمارستان بستری است و مورد جراحیهای مداوم از ناحیه معاء و احشاء قرار گرفته است، ولی بفرض زنده ماندن باید با زهم منتظر سرنوشتی باشد که خلق ایران برای تمام جنایتکاران و خائنین تعیین کرده است. مردم کردستان که از خود فروشیهای این جاش منفرود مطلع هستند در سخنان خود ضمن ابراز شادمانی از اعدام انقلابی این خائن، تاء کید میکنند که سرنوشت یک جاش همینست.

البته دشمن نیز مانند همیشه زهر خود را می ریزد. مثلا "در آخرین روزهای دیماه بود که پاسداران به سه روستای اطراف میاندوآب حمله کردند و دست به تاراج و آزار مردم زدند. آنها اشیاء قیمتی را از منازل مردم سرقت و حدود چهل نفر از اهالی بیدفاع را با خود به اسارت بردند و با حدود دهم بهمن ماه بود که از روی

تپه های "سولی تپه"، روستای "خان کندی" در اطراف میان دو آب را به خمپاره بستند و موجب شهادت یک نفر بنام محمد و مجروح شدن سه نفر شدند، آنها که از مقابلها جنگاوران خلق و پیشمرگان دناور عا جزند، زبونانسه به روستائیان بی اسلحه یورش می برند، ولسی اینگونه ستمکاریها که از ماهیت "سپاه پاسداران" و سایر سازمانهای سرکوبناشی میشود نه تنها برخلاف خواسته آنان مردم را نمی ترساند بلکه وجدان انقلابی توده ها را بیدار تر و شخصیت مبارزاتیشان را آبدیده تر میسازد. عمل پاسدا - ران و سایر نیروهای سرکوبگر در ارتکاب جنایت نسبت به توده های بی دفاع و رواداشتن ستم نسبت به آنان، مانند آنست که با دیکارند، و آنکس که با دیکار در چیزی جز طوفان درونخواهد کرد و مزدوران سرکوبگر در آینده با چیزی جز طوفان سهمگین عصیان توده ها در سراسر ایران روبرو نخواهند بود، طوفانی که سرانجام بساط اهریمنی قدرتش را درهم خواهد ریخت.

پیشمرگه های چریکهای فدائی خلق دست به
اعمال انقلابی جاش معروف سقزی، عبدالله
قاسم معروف به عبده قاسم زدند.

—————

اخبار میان دو آب

یورش وحشیانه پاسداران مزدور به منازل مردم میارزین شهر همچنان ادامه دارد. این مزدوران شبانه مانند دزدان از در و دیوار منازل بالا رفته و با وحشیگری تمام وسایل منزل را به هم ریخته و اهالی خانه را مورد ضرب و شتم قرار می دهند.

- برای جلوگیری از ورود مواد خوراکی و ... از طریق میان دو آب به کردستان پاسداران مزدور این راه را بشدت کنترل می کنند در شهر یک بشکه بنزین به قیمت ۱۰۰۰۰ تومان، یک بشکه گازوئیل به قیمت ۵۰۰۰ - تومان و نفت بشکه ای ۲۵۰۰ تومان خرید و فروش می شود و جالب اینکه پاسداران بنزین، گازوئیل و نفت را تهیه و به افرادی می دهند که بعد از فروش پول را با آنها تقسیم می کنند.

- چماقداران میان دو آب و روستاهای "ابراهیم آقا" و "شلوند" توسط پاسداران مزدور مسلح شده اند، جالب اینکه این چماقداران مسلح، کارشان خرید و فروش هروئین و سایر وسایل قاچاق است.

در شهر حالت حکومت نظا می برقرار است و مزدوران تحت این عنوان که افرادی از شهرها پیشمرگان همکاری می کنند به بازرسی مردم شهری پرداختند و در این مورد حتی از بچه های شیرخوار و روزنها هم نمی گذرند.

- ۵۹/۱۱/۱۲

- در پی تهاجم پاسداران مزدور به روستاهای "ابراهیم آباد"، "کامیوش کلی" و "عسکر آباد" اهالی این روستاها منازل خود را تخلیه کردند. تهاجم و وحشیگری پاسداران مزدور بحدی بود که کلیه مواد خوراکی (قند - برنج - گندم) را غارت کردند و نفت ها را بر روی زمین ریخته و بشکه های نفت را سوراخ سوراخ کردند.



هر بژی خه بات چک واراننه که نه نیا ریگای گی شخن به زرگاری!

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

- ۵۹/۱۱/۲۶ -

- پاسداران ضدخلقی در این روز قایق یکی از زحمتکشان روستای "قره کل" را که تنها مورد آذیندگی بود با آر - پی جی ۷ از بین بردند.

- ۵۹/۱۱/۲۷ -

خمپاره باران روستاهای کردنشین این شهر توسط پاسداران مستقر در "سوکلی تپه" ارتش ضدخلقی مستقر در بین میانندوب و روستای "قلجی" و پلیس راه میانندوب - فها با ده چنان آذینه دارد. از تاریخ ۵۹/۱۱/۲۷ تا ۵۹/۱۱/۳۰ شدت خمپاره باران و توپهای ۱۲۰ میلیمتری بحدی بود که چندین خانه در روستاهای "ساری قمیش"، "کلبیزخان"، "کوخان"، "قره کل"، "قبا نکلندی" و "حاجی حسن" ویران و ۳ نفر از اهالی این روستاها شهید و چند نفر مجروح شدند.

- ۵۹/۱۱/۲۸ -

در پی خمپاره باران روستاهای کردستان، روستای "مرجان آوا" که ترک نشین است و در نزدیکی میانندوب قرار دارد مورد اصابت گلوله های ۱۲۰ میلیمتری قرار گرفت و تعدادی از منازل روستایان ویران شد و چند نفر نیز مجروح گردیدند.

- ۵۹/۱۱/۳۰ -

کارگران کارخانه قند میانندوب برای رسیدگی به خواسته های خود (سودویژه، حق اولاد، پاداش و...) نمایندگانی را انتخاب کردند تا با مسئولین کارخانه مذاکره نمایند. در مقابل این حرکت کارگران رئیس کارخانه همراه با شورای اسلامی کارخانه به کارگران اخطار کردند که پولهای بی راکه سال گذشته به "زورس" نیزه "!! وبه "زوراسلحه"!! از ما گرفتید با بدامال پس بدهید. سپس ۶ تن از کارگران کارخانه را به بهانه فعال بودن در مبارزات کارگران از کارخانه اخراج کردند که با این عمل اعتراض کارگران به اوج خود رسیده است.

- ۵۹/۱۱/۳۰ -

پسراج جمشید (حاج جمشید کمیته چی معروف شهر است که یک حمام شهر را به مبلغ ۳/۵ میلیون تومان که از چاپیدن وغارت روستایان زحمتکش کردستان جمع کرده خریده است) به سوی یکی از اهالی شهر تیراندازی نمود و او را به شدت زخمی کرد. پدرو جوان مجروح از ترس حاج جمشید جلاد، اعلام کرده که شکایتی از مجرم ندارد.

- ۵۹/۱۲/۲ -

در پی شهادت یکی از انقلابیون شهر رفیق جهانگیر قلعه میانندوبی (جهان) بدست سپاه پاسداران که زیر شدیدترین شکنجه ها به شهادت رسید، شهر حالت عادی خود را از دست داد و بشدت متشنج شد. کلیه مغازه های شهر تعطیل شد و مردم در تظاهرات با شکوه در مراسم تدفین رفیق جهان شرکت کردند. از دهام اهالی بحدی بود که کلیه افراد سپاه پاسداران به حال آما ده باش در آمدند و مثل سگ ها رراسیحه به هر طرف می رفتند. در این تظاهرات شعارهایی در تجلیل از رفیق شهید و بر علیه رژیم داده میشد و نیسز در مراسم تدفین رفیق سرود جنلی بل خوانده شد. به همین مناسبت در اکثر مدارس شهر نیز تظاهراتی توسط دانش آموزان مبارز برگزار گردید.

- ۵۹/۱۲/۲ -

در این تاریخ سپاه پاسداران (مستقر در میانندوب) با حمایت ارتش روستای "تیبوزآوا" را مورد حمله وحشیانه قرار دادند. آنها قایق روستایان را شکستند، وارد خانه های شده و همه چیز را برگیر بستند، دوتراکتور را خراب کردند و دوتن از اهالی را دستگیر کرده و با خود بردند.

- ۵۹/۱۲/۲ -

براش خمپاره باران روستای "خروا" توسط ارتش قسمتی از خانه های روستایان ویران شد.

- ۵۹/۱۲/۲ -

در مدارس نهضت و آزر می سابق، هنگام اجرای برنامه صبحگاهی، دانش آموزان اقدام به دادن شعار - های انقلابی و خواندن سرود کردند که بین آنها و اعضاء انجمن اسلامی درگیری شد. انجمن اسلامی چیه در مقابل مقاومت دانش آموزان مبارز عقب نشینی کردند.

بعد از نطق اول بهمن ماه خمینی که از خلق قهرمانان کرد ما جزا نه درخواست کرد سلاحهای خود را زمین بگذارند، دستگا ههای تبلیغاتی را رژی م مداوم خیرا ز تسلیم با صطلاح گروههای مردم و پیشمرگان می دهند.

خود را در بنا با به نحو احسن !! انجام دهیم . آری مبارزه طبقاتی در کردستان خونین شعله ور است و خلق قهرمان کردیا مبارزه مسلحانه خود را بر سر اندام مزدوران امپریالیسم می اندازد .

● بوکان

اهالی بوکان با همیاری و کمک مالی خود مدارس این شهر را گشودند ، باز شدن مدارس شهر که از جندی پیش برای جلوگیری از تجمع دانش آموزان و معلمین آگاه و انقلابی بسته شده بود ، مشت محکمی است بردها ن رژیم ضد خلقی و ارتجاعی جمهوری اسلامی . مردم قهرمان کردیا این حرکات انقلابی را با بیست کرده اند که در هیچ شرایطی دست از مبارزه بی امان با سگهای زنجیری امپریالیسم برنخواهند داشت .

● اصفهان

اخیرا "دریکی از خوابگاههای دانشگاه صنعتی اصفهان که محل اسکان جنگ زدگان خوزستانی است یکی از پاسداران دست به افشاگری علیه حاکمین وقت زده و در رابطه با جنگ و مسائل سیاسی و برای آوارگان صحبت می کند . مزدوران رژیم پس از اطلاع از این جریان ، در روز ۵/۱۰/۵۹ به خوابگاه آمده و در صدد دستگیری پاسدار معترض برمی آیند ، آوارگان جنگ که از اعمال سرکوبگرانه رژیم به تنگ آمده و روز بروز فشار بیشتری را بر شانه های خود احساس می کنند در مقابل این عمل بطور دسته جمعی دست به اعتراض می زنند ، اما علیرغم مقاومتشان عمسال رژیم پاسدار مذکور را دستگیر کرده و با خود می برند . در پی این جریان ، دختران جوان خوزستانی که انجام امور سلف سرویس ، نظافت و را بعهده گرفته اند ، بعنوان اعتراض دست از کار کشیدند .

در خبرنا مه ۴۸ طی گزارشی به وضعیت آوارگان جنگ که در خوابگاه دانشگاه صنعتی اصفهان زندگی می کنند ، اشاره شده بود . تعداد آوارگان طی این مدت به بیش از ۲۰۰۰ نفر رسیده است . آگاهی و اتحاد یکپارچگی آوارگان روز بروز بر کنترل و تضییقات مزدوران رژیم نسبت به آنها می افزاید بطوریکه تعداد پاسداران و جاسوسان مستقر در خوابگاه بیشتر شده است . آوارگان خوابگاه مدتی پیش علیه دستگیری ۴ تن از پسران بالای ۱۴ سال ، تفتیش وسایل آنها ، حضور جاسوس در محل و وضع بد غذا دست به اعتراض گسترده ای زدند .

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی برای درهم شکستن مبارزه خلق کرد و سرکوب هر چه بیشتر آن از هیچ عملی مضایقه نمی کند . بمباران و کشتار در شهرها ، قتل عام روستا ثیان ، آتش زدن روستاها و محاصره اقمادی - نظامی توأم با تبلیغات کرکننده کارنا مه دو سال جنایت رژیم فقط در کردستان است . این اعمال نه تنها خلق کرد را از مبارزه با زندا شته بلکه باعث تشدید هر چه بیشتر مبارزه خلق کرد و پیشمرگان قهرمان نش گرده است .

رژیم مزدور جمهوری اسلامی بخوبی به اهمیت سلاح در دست خلق کرد واقف است و به همین جهت برای خلع سلاح این خلق بیشترین کوشش را بکار میبرد . اینک با توجه به تجارب ضد خلقی امپریالیسم در سرکوب خلقها ، جنگ روانی دیگری را بر علیه خلق کرده راه انداخته است . یلندگوههای تبلیغاتی رژیم با توجه به پیام اول بهمن ماه ۵۹ خمینی و قیاحانه از "توبه" پیشمرگان و "تسلیم شدن" نهادم می زنند رژیم بدینوسیله سعی میکند روحیه تعرضی خلق کرد را ضعیف کرده و بین او و پیشمرگان جدائی بیندازد . اما زهی خیال باطل . خلق مبارز کرد مصمم و متحد است - پیشمرگان قهرمانش هر روز ضربه جدیدی بر مزدوران رژیم وارد می کنند چرا که خلق کرد بخوبی دریافته است که تنها راه رسیدن به آزادی مبارزه مسلحانه است .

● آذربایجان شرقی - بناب

روز دوشنبه ۵۹/۱۱/۶ به سپاه پاسداران بناب اطلاع داده می شود که اعضای این مرکز فردا به کردستان اعزام خواهند شد . پاسداران ضد خلقی برای جلوگیری از اعزامشان به کردستان همان شب نقشه ای طرح و اجراء می کنند . بدین ترتیب که آنها دودسته شده ، یک دسته مقرسپاه را به گلوله بسته و دسته دیگر از داخل مقر به آتش آنان پاسخ می دهد این زد و خورد ساختگی پس از چند ساعت خاتمه یافت .

صبح روز سه شنبه ۵۹/۱۱/۷ سپاه پاسداران اعلام می کنند که چون در بنا با ضد انقلابیون ! فعالیت دارند و منطقه نا آرام است . تقاضا داریم از فرستادن ما به کردستان خودداری گردد تا بتوانیم وظایف انقلابی!

گزارشی از وضع مسکن بعضی از هموطنان جنگ زده در "امیدیه"

در حالیکه حکام و تت با بوق و کرنای گوش خراش از رسیدگی دولت به وضع آوارگان جنگ سخن می گویند، بسیاری از هموطنان جنگ زده ما هنوز در بدترین شرایط زندگی می کنند.

بدنبال سرازیر شدن سیل آوارگان جنگی به آغا جاری، آوارگان عرب اطراف شهر آبادان در "امیدیه" به "درمنازل بلوکی بی سقف و بی در و پنجره که توسط شرکت نفت در حال بنا بود اسکاتن یافتند. ولی زندگی در چنین مکانی آوارگان را با مشکلات زیادی روبرو کرده است. بطوریکه در یک شب طوفانی دوسنگ از سنگ های بلوکه بر سر و طفل در حالیکه خواب بودند،

افتاد و هر دو را جا بجا کشت.

یکبار پس از جریان کشته شدن دو کودک بطلست با ران شدیدی که در گرفته بود، آوارگان تاب تحمل نیاورده و با خشمی که ناشی از شرایط زندگی شان بود به مدارس رفته و آنجا را به اشغال خود درآوردند. ولی "مسئولین" آموزش و پرورش با تهدید و ارباب و وعده و وعیدها لایحه توانستند آنها را از مدرسه بیرون کنند. تعدادی از آنها به چادرهای که در اطراف شهر برپا شده منتقل شدند ولی بقیه کماکان در همان منازل نیمه تمام بی در و پنجره با جزا و رترین وضع بسر می برند.



تهران

مبارزه قهرمانان نه کارگران کفش ملی

اوایل بهمن ماه کارگران مبارز کفش ملی به دلیل اعتراض به عدم پرداخت پاداش سالانه خود دست به اعتراض و اعتصاب زدند. این اعتصاب به درگیری بین پاسداران و کارگران منجر شد.

در کارخانه کفش ملی پاداش تولید هر شش ماهه یکسال یکجا پرداخت می شد. این پاداش در زمان گذشته تا بحال متوالیا "پرداخت می گردید که متن اصلاحی ماده ۱۳ وزارت کار در مورد پرداخت پاداش در قسمت دوم خود چنین توضیح میدهد: در صورتیکه مزایا هر ۶ ماهه یا یکسال یکجا پرداخت شود باید در سه سال آخر فعالیت کارگاه متوالیا "به کارگران پرداخت شده باشد و جزی از مزایا محسوب می شود.

در تاریخ ۸ بهمن ماه ۴۸ سال هیئت مدیریت دولتی جا بیش را با یک هیئت مدیره مکتبی عوض کرد. این هیئت مدیره دستور لغو پرداخت اینگونه پاداشها را داد و در مقابل اعتراض کارگران گفتند که "ما به چنین خواسته هایی تن نمیدهیم. اگر چه شده دور کارخانه کفش ملی را سیم خاردار بکشیم". پس از آن شورای کارخانه کارگاه بوردت ۴۸ ساعت بر هیئت مدیره مهلت داد تا پاداش کارگران را پرداخت نماید. ولی چون خبری نشد از روز شنبه کارگران شروع به اعتراض و اعتصاب کردند. در جریان این حرکت "رجبعلی" نماینده خود - فروش کارگران به پاسدارخانه کفش ملی واقع در -

شورای اسلامی شرکت فلور علیه کارگران

توطئه می چیند.

ارگان های حکومتی هر روز به بهانه ای کارگران و کارمندان را از کار اخراج کرده و بر تعداد سیل بیگانه - ران جامعه می افزایند. آنها در صدد این روشها به رفع بحران امپریالیستی که بدلیل وابستگی ایران به امپریالیسم، جامعه ما را در بر گرفته، کمکی نمایند و هم از اینروست در عین حال که تحت عناوین مختلف ثروت های جامعه و دسترنج زحمتکشان را به جیب می زنند از آنها می خواهند، فشار هر چه بیشتری را تحمل کرده و تازه به تولید اضافی نیز بپردازند.

اخراج ۱۲۷۵ نفر از کارگران فلور سابق "پیمانی" نیز در پی اجرای چنین سیاستی صورت گرفته است. شورای اسلامی علت اخراج این کارگران را داشتن بیش از ۴۰ سال سن عنوان کرده است.

مدتی پیش حدود ۶۰ نفر از این کارگران جهت رسیدگی به وضع نابسامان و دریافت حقوق ایام اشتغال خود در جلوی اداره کار جمع شدند. این تجمع بمدت چند روز ادامه داشت ولی نتیجه آن معلوم نیست. علت تعداد محدود اجتماع کنندگان به نسبت کارگران اخراجی، از طرفی تفرقه اندازی عمال حکومتی در بین کارگران است و از طرفی دیگر گروهی از کارگران بدلیل عدم نتیجه گیری از تجمعات خود به این شکل از مبارزه بی اعتقاد می باشند.

بقیه در صفحه ۲۰

مستحکم باد پیوند کارگران با جریکهای فدائی خلق ایران

۱ ترکمن صحرا کیمش دغه

شرکت شیلات با همکاری سپاه پاسداران، کسه سال گذشته با کشتار صیادان بیگناه بندرانزلی ماهیت جنایت کارانه شان را به نمایش گذاشتند، همچنین بزقشاً روتضییقات علیه صیادان زحمتکش می افزایند و می کوشند تا لقمه ناننی را که زحمتکشان دریا بسا هزاران دردورنج بدست می آورند، بسفح سرمایه داران بزورآز آنها بقا پند، خبیرزیر نمونه ای است از عملکرد ضدخلقی ایندوارگان علیه صیادان ترکمن صحرا. مدتی پیش سپاه پاسداران و شرکت شیلات اعلام کردند که صیادان "کمش دغه" حق صدور ماهی های صیدشده این منطقه را به شهرهای دیگر ندارند و در صورت صدور کلیه ماهی ها مصادره می شود و در چند جا نیز برای زهر چشم گرفتن از صیادان، ماهی های صیدشده را مصادره کردند. صیادان که مدتی پیش برای دریافت کارت صید مجبور شده بودند پولی بنام حق صید و در واقع بعنوان باج سبیل به سپاه پاسداران و شرکت شیلات بپردازند این بار نیز مجبور شدند که دسترنجشان را با قیمت بسیار نا زلی در محل بفروش برسانند، شرکت شیلات هم که منتظر این فرصت بود به صیادان پیشنهاد کرد که حاضر است ماهی های "تلجی" را به قیمت کیلوئی ۷۵- ریال از صیادان خریداری کند. پولی که کفا فمخارج صید را هم نمی دهد، شرکت شیلات این ماهی ها را در بازار کیلوئی ۳۰۰ تا ۳۵۰ ریال بفروش می رساند.

۲ آذر شهر گاوگان

در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۰ رانندگان مینسی - بوسهای گا وگان بخاطر اعتراض به حیره بندی گاز و - شیل دست به اعتصاب زده و خواستار تحویل آزاد گاز و شیل شدند، این حرکت حق طلبانه مسئولان را به تحویل شیل روزانه ۲۰ لیتر گاز و شیل به هر مینسی بوس، وادار کرد. پس از این موفقیت رانندگان بسرکار خود با زگشتند.

۳ لاهیجان

۲۶ بهمن ۵۹ - در این روزگاری های سه تن از ازکاسیان محل توسط شهرداری جمع آوری شدند. صاحبان این گاریها برای پس گرفتن آنها به شهردار مراجعه کرده و خواستار تحویل گاریها شدند. ولی شهردار از باز پس دادن آنها خودداری کرد و در جواب یکی از کاسبها که می گفت: ما خرمان را از کجا تا مین کنیم در ضمن بیکاری ما را به راههای فاسدی کشاند، گفت: "شما که از اول فاسد بوده اید، بروید دنبال هرزه - گیتان، و بعد هم با صدای بلاندا از آنها خواست که از اطاق خارج شوند که یکی از کاسب ها در جوابش گفت: آقای شهردار ما با همین مشت هایمان شما را به اینحارسا ندبیم و مطمئن باشید که با همین مشت هایمان نیز شما را به پائین می آوریم. و سپس بدون نتیجه ما با خمی سوزان دردل از اطاق خارج شدند.

سیم وهراس از آگاهی روز افزون مردم مین مآن چنان حکومت را در بر گرفته که وقتی خود را قادر به ممانعت از رشد آگاهی مردم نمی بیند، سعی می کند جلوی ورود عناصر آگاه هنر و متمایل به گروههای مترقی سیاسی را در دستگاهها و ارگانهای دولتی و تولیدی و غیره بگیرد. سندزیر نمونه ای از تفتیش عقایدی است که متقاضیان کار در شرکت اس. اس. بی مجبور به پر کردن آن می باشند:

بسمتمالی

نام خانوادگی _____

معافیت داند دارید ؟ _____

وضع تحصیل خود را بگوئید ؟ _____

مختصری در مورد وضع خود و جو سیاسی حاکم بر خانوادهتان را بگوئید ؟ _____

چرا میخواهید کار کنید ؟ _____

نظراتان در مورد رژیم چیست ؟ _____

ایا به ولایت فقیه اعتقاد دارید ؟ _____

نظراتان در مورد برابری زن و مرد چیست ؟ _____

نظرات سیاسی برادر و خواهرتان را بیان کنید ؟ _____

سابقه سیاسی و کلمتون داند ؟ _____

ایا قهلازم در جایی کار کرده اید ؟ لطفاً نام و محل کار سابقتان را بدهید _____

چرا از اینجا بیرون آمدید ؟ چه مدتی اینجا کار کردید ؟ _____

ایا در هیچ اسم نوشته اید ؟ کی و مدت آموزش را توضیح دهید ؟ به چه به چه دلیل سرور نیستید ؟ _____

ایا در هیچ کجای سابقه ایان فرد ضد انقلاب و یا متکوکی وجود دارد ؟ لطفاً به طور دقیق بیان کنید ؟ _____

متن: _____

چنانچه متنسی حتی اگر به یاد سؤال از مسئولان بالا جواب انتصاه دهد، در صورت ادامه کار، هیچ مسائلی ندارد.

۵۹/۱۱/۱۷

اصفهان

در جریان اعتصاب سه روزه شرکت واحد اصفهان یکی از رفقای هوادار گزارشی از گفتگوی خود با اعتصابیون داشته است که در زیر می خوانید:

چرا اعتصاب کردید؟

بسیط فروش که گویا منتظر این سؤال بودی حالت دردمند و صمیمی گفت: والله مدیر شرکت ما یک آدم بی انصاف و بی ادبی بود مثل برده با ما رفتار می کرد، کوچکترین خواسته ما را انجام نمی داد حتی چند نفر از ما بندگان ما را بصرف اعتراض به وضع کار - گران از شرکت بیرون کرد، یک دفعه من را با خاطر رفتن به دستشویی که چند دقیقه بیشتر طول نکشیده بود دوروز حربه کرد، حرف هیچکس به گوشش ندهد تا آنکه دیگر حاضران به لب رسید و اعتصاب کردیم.

رهبری اعتصاب باکی بود؟

بسیط فروش: هیچکس همه ناراحت بودیم، اینو فهمیدیم اگر همه پشت هم باشیم هیچکس حرف زور نمی - تونه بیهون بگه تا زه او مدن از ما فیلم برداری کردی ولی حتما "اونوقت شب ندیدی چون آخروقت گذاشتند تا مردم دردمان رو نفهمند بهر صورت "آیت الله خادمی آمد گفت برید سر کارتون، من تا ساعت ۱۰ شب قول می - دهم مدیر عوض شود، ما گفتیم هر وقت عوض شد ما سر کار می رویم، این مدیر در زمان شاه یکی از گسردن کلفتها بود تا زه هر ماه هم ۲۰۰ تومان از حقوق ما را بعنوان کمک برای جنگ زده ها کسر می کرد، آخر مگر خودمون چقدر حقوق داریم روزی ۶۰ تومان.

در همین حین اتوبوس آمد و سواراتوبوس شدم راننده خیلی عصبانی بود بعد از خلوت شدن اتوبوس مردی از او پرسید اعتصابیون به کجا کشید به خواسته ها بیتان رسیدید؟

راننده با پیوز خندی گفت ای آقا کی به خواستهای مردم گوش دادن که این دومی باشد.

مرد پرسید: آنها بی که بیرون کرده بودند چی؟ راننده گفت: آنها به سرکار برگشتند.

رژیم ضد خلقی حاکم از آن سنگرها خلق رزمنده کرد را به خمپاره و گلوله بستند.

در منطقه خدا آفرین هم عوامل جها دسا زندگی در درجه اول به وظیفه جاسوسی خود می پردازند. آنها جوانان انقلابی روستا را شناسائی می کنند و همه جا را برای یافتن جزوات، اعلامیه ها و کتای بهای سازمانهای انقلابی تفتیش می کنند.

اقدامات "سازندگی" آنها هم تنها شامل حال ارگانهای سرکوب دیگری می شود که با خودشان سردر یک آخور دارند و در پاسداری از منافع امپریالیسم و زمینداران بزرگ منطقه با رومند کارشان هستند: پاسگاههای ژاندارمری منطقه که هم در زمان حکومت شاه خائن وهم در رژیم وابسته به امپریالیسم جمهور - ی اسلامی ارگان اصلی سرکوب دهقانان زحمتکش بوده هستند، بوسیله جها دسا زندگی تمهیر و بازسازی می شوند.

وقتی که جها دسا زندگی تصمیم گرفت به پاسگاه ژاندارمری روستای "تاتارا" برق برساند، یک مولد برق در روستا نصب نمود و از هر خانوار در مجموع ۱۱۰ تا ۱۲۰ خانوار روستا مبلغ ۱۰/۰۰۰ ریال برای رساندن یک شعله برق، پول گرفت. علاوه بر این قلکی در کنار مولد برق نصب کرد تا هر خانوار روستائی ماهیانه مبلغی در آن قلک، واریز نماید.

در روستای "آلاجوجه" مزدوران جها دسا زندگی در خانه خان و فتودال ساواکی روستا "مطفی میر - احمدی" سکونت دارند، آنها برای کشت و برداشت محصول در زمینهای وسیع این مزدور، یک دستگاه مولد خریدند، ولی بعداً "کوشیدند منتهی هم بر سر مردم بگذا - رند (!) و ما نند روستای تاتارا از هر خانوار هزار تومان بگیرند و یک شعله برق به آنها برسانند و لسی روستائیان که آه در بساط نداشتند گفتند: "اگر ما می - توانستیم هزار تومان بدهیم، قبل از شما موتور برق می خریدیم، ما نه پول داریم، نه برق می خواهیم" جها دسا زندگی هم به کسی برق نداد و تنها خودش از برق استفاده می کند.

در روستای "بویدوز" جها دسا زندگی برای آنکه "خدمتی" کرده باشد، خود سراسرانه یک موتور آب خرید و آن نگاه از روستائیان خواست قیمت آنرا بپردازند ولی چون روستائیان نمی توانستند قیمت موتور آب را بپردازند، موتور آب هم بلا استفاده باقی ماند.

جها دسا زندگی برای کسب وجهه مردمی و در واقع برای کنترل روستاهای "عاشقلو"، "ستن"، "مسجدلو" "داش آراسی"، "قره تکا نلو"، "احمدلو" و "شیخ حسینلو" چند تکه لوله اسقاطی به روستای "شیخ حسینلو" آورد ولی همه میدانند که اگر هدف آنها واقعاً رسانیدن آب

نگاهی به عملکرد جها دسا زندگی در روستاهای منطقه "خدا آفرین" بخش گلپایگان (آذربایجان شرقی)

بر خلاف صدای گوشخراش بومیهای تبلیغاتی حکومت درباره "فعالیتها"ی جها دسا زندگی، امروز دیگر بسیاری از مردم، به عملکرد ضد خلقی این ارگان نوساخته پی برده اند. بسیاری از مردم میدانند که همین جها دسا زندگی به بیانه آبدانی و "کمک" آیه مردم کردستان، درسندج، سقز و هر جای دیگر ایسن استان خونین، سنگرهای بی راکنند که بعدها مزدوران

بابل

دردیما گذشته بین اهالی زحمتکش روستای اسب شوری بابل (واقع در ۱۵ کیلومتری آمل) و شخمی بنام نامدار که ۶ هکتار از زمینها را با سندسازی تصاحب کرده است، زدو خوردی رویداد. در این درگیری بکنفران افرادی مدارک گشته شد و تعدادی از اهالی توسط ژاندارمها دستگیر شدند.

نامدار چهار سال پیش با کمک یکی از خویشان بنام دکتر واحدی، وکیل مجلس شورای ملی، با پارتنری بازی و جعل سند ۶ هکتار از چراگاههای روستا را تصاحب کرد. سال گذشته اهالی روستا تصمیم گرفتند زمین را که در واقع از آن روستائیان بود بین چند خانواده بی زمین تقسیم کنند. نامدار هم که خود را مالک زمین میدانست با کمک ۸ تن از خویشاوندانش به مخالفت با اهالی روستا پرداختند.

مردم زحمتکش یکی از افراد نامدار را به گروگان گرفتند. ولی دخالت سپاه پاسداران و مأمورین ژاندارمری و حکم دادگاه روستائیان را وادار کرد که زمینهایی را که کاشته بودند پس دهند. دردیما گذشته روستائیان که نمی توانستند از حق مسلم شان بگذرند و برایشان آشکار شده بود که جا نیداری پاسداران و دادگاهها از نامدار، حمایت از سرمایه داران است نه زحمتکشان، اقدام به بازپس گرفتن زمینها کردند که به درگیری با نامدار و افرادش انجامید.

به روستائیان بود، می بایست قبل از همه به لوله کشی روستای "عاشقلو" بپردازند که تا چند کیلومتری خود آبی ندارد و آب آلوده رودارس استفاده می کنند. یا روستای "مسجدلو" را لوله کشی می کردند که از آبی استفاده می کنند که در مسیر آن، فاضلاب روستاهای "عباس آباد" و "گرمنا" به آن می ریزد.

بگذار رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، هر چه می خواهد در مورد "جهاد سازندگی" تبلیغ کند و دروغ بگوید. توده های که عملکرد ضد خلقی این ارگان نوپارامی بینند، و آنرا ملاک قضاوت خود قرار میدهند، در جریان این تبلیغات به ما هیت فریبکار رژیم پی می برند.

گزارشی از ممقان یکی از روستاهای

اطراف تبریز ۵۹/۱۰/۱۷

چندی پیش منبع نفت ممقان به آتش کشیده شد. جوانان روستا میگویند "امام جمعه و اوباشان، این آتش سوزی را برای انداختن اندر زیر ادر ممقان فعالیت های سیاسی صورت میگیرد. در واقع این مزدوران قصد داشته اند با این عمل به "موسوی جلال" رئیس دادگاه های تبریز نشان دهند که پاسگاه قدرت محافظت و کنترل روستا را ندارند تا بدین وسیله پاسداران رابه روستا سرازیر کرده و مانع فعالیت سیاسی شوند. اما زهی خیال باطل!

روستائیان آگاه و مبارز روستای "غیاثکلا" و "بامسر

- کلا" عمال رژیم را در اجرای مقاصد خودنا کام

ساختند.

آمل

گوید، ما انجمن اسلامی نمی خواهیم". در روستای "بام سرکلا" هم مجیدی در رابطه با تشکیل انجمن اسلامی با تهدید و مخالفت مردم مواجه شد و اصلاً به روستا وارد نشد.

رئیس انجمن اسلامی دهستان دابو (رضا مجیدی) دردیما گذشته بمنظور تشکیل انجمن اسلامی و انتخاب اعضای آن به روستای "غیاثکلا" رفت اما مردم روستا برای شخمی که قرار بود میزبان (مجیدی) باشد پیغام فرستادند که "به مهمان خود بگوهر چه زودتر دهه مارا ترک

زمین از آن کسی است که روی آن کار میکند

گوازه‌ها

شنبه ۲۵ بهمن ۵۹

تهران

اهل ده هم آنقدر گرفتار و سبچاره اند که پولشان بسه این چیزها نمی رسد.

از پیرمردمی پرسیم: مگرتوی ده شما ژاندارمری با پاسداران نیستند و آن ها که اسلحه توی دستشان است کاری برایتان انجام نمی دهند؟ می گوید: نه، پسگ باریک نفری پاسدار از شهر آوردیم که برای هفت پشتمان کافی ست. می پرسیم: خورد و خوراک پاسدارا کی می داد؟ می گوید: ما حتی پول رفت و آمد پاسدار به شهر را هم می دادیم، چه برسد به خورد و خوراک. پیرمردمی گوید: پاسدار مدتی توی ده ما نداشتند و ما بی هدف چندتیری توی تاریکی می انداخت، اما بی فایده بود. اسلحه هم که می ترسند دست ما بدهند تا حساب گرازها را برسیم بعد از ۲۵ - ۲۰ روز پاسدار را هس را کشید و رفت. می گویم: جای شکرش باقی ست که رفت و مگر نه اگر گرازها محصول شما را خام می خورند، برای این یکی با بدبخت و جلویش گذاشت.

پیرمرد خنده تلخی می کند و می گوید: خوب دیگر نشد. جمعیت این پا و آن پا می کند. صدای اعتراض جمعیت به حایبی نمی رسد. تک تک متفرق می شوند. پیرمرد هم بتورا روی دوش می اندازد و ساک رازی را بغل، همچنان که دارد راه می افتد، یاد نیایی تلخی می گوید: حیف که امسال هم نشد.

اطلاعیه عاجزانه

انجمن اسلامی رود گرمحله

پابل

انجمن اسلامی رود گرمحله طی یک اطلاعیه عاجز خود را بر علیه انقلابیون و شیود بر خورد قاطع آنها اعلام کرده است. در بخشی از این اطلاعیه گفته شده: "..... این گروهکها در حالی که دور ما شین را گرفته بودند که برادران پاسدار ما مجبور به چندتیر هوایی شدند باز به برادران ما حمله ور شدند و می خواستند اسلحه را از برادران پاسدار ما بگیرند.... و هنگامیکه شعار مرگ بر پاسداران می دادند متفرق شدند؟ آری! ای مزدوران این رسم خلق و تمام می انقلابیون است که اسلحه شما را بگیرند و با آن بر علیه شما بکنند مگر نمی دانید، اسلحه خانه نداریم، زراد خانه شما منابع اسلحه ما است!

هنوز دقایقی به ساعت ۶ صبح مانده است. جمعیت نسبتاً زیادی جلوی در آهنی تسلیحات در نزدیکی میدان توپخانه صف کشیده اند. همه شان شکارچی هستند و از شهرهای دور و نزدیک آمده اند تا سهمیه با روت خود را بگیرند. قیافه ها سوخته از آفتاب، چهره ها تکیده و سرو وضع ظاهراشان سخت به هم ریخته است. به خوبی می شد دریافت که این ها، نه از نوع آن شکارچیانی هستند که تنها به قصد تفریح و خوش بودن به کوه و بیابان می زنند، بلکه برعکس اغلب آنها از افراد محرومی هستند که اگر کوه و دره ها را با هزار مشکل پشت سر می گذارند، فقط به قصد یافتن یک شکار و سیر کردن شکم زن و بچه هاست.

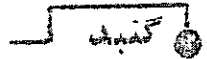
ساعت به هفت نزدیک شده است که در کوچکی باز می شود و مردی با شتاب کاغذ بلند یا لابی را روی در آهنی می چسباند و از همان در کوچک غیب می شود. متن روی کاغذ این است:

"به دستورا داره دوم، به خاطر رعایت مصالح امنیتی و حفاظتی با روت فروختن نمی شود."

همه مردمی گیر و صدای اعتراض شکارچیان بالا می رود. یکی می گوید: این هم یک نوع فریب و حقه بازی است، دیگری می گوید: اگر چنین قصدی را داشتند چرا قبلاً از رادیو اعلام نکردند تا ما را از صدها کیلومتر راه به تهران نکشاند، یکی پیشش می کند: با پاسدار به اداره دوم رفت و با آن ها حرف زد و حق خود را گرفت، اما کسی نام و نشانی از این اداره را نمی داند. خلاصه صف بهم می خورد و همه نا راحت و خشمگین هر کدام راهی را نشان می دهند.

خودم را به در آهنی بزرگ نزدیک می کنم. پیرمردی در ردیف اول صف ایستاده و تویی دور خود پیچیده است. چهره خسته می دارد و از سرمای صبحگاه زمستان می لرزد. سر صحبت را با او بازمی کنم. معلوم می شود همراه بسرجوانش از یکی از دهات کرمان آمده و شش قبیل را نیز تا صبح پشت در آهنی تسلیحات خوابیده است تا صبح سریع ترکارش راه بیفتند.

پیرمرد از این که نمی خواهند با روت بفرستند، سخت نگران است. می گوید: من نیا مده ام بسا روت بخرم و با آن به شکار بروم یا تفریح کنم، می خواهم سهمیه بی از با روت بگیرم تا از سر گرازهایی که تمام محصول ده ما را نابود کردند، بر بیایم. پیرمردا ده می دهد: با روت در با زار از یک کیلویی نزدیک به ۶ هزار تومان است و اگر تمام محصول امسال را هم بفروشم، قا در نیستم یک کیلو با روت تهیه کنم، بقیه



مردم مبارز گنبد نیز مانند سایر زحمتکشان میهنمان همه روزه شاهد درگیری و یورش اراذل و اوباش رژیم جمهوری اسلامی به نیروهای مبارز و انقلابی این شهر هستند، عمال رژیم که طی یکسال گذشته، با شیوه ترور و خفیان و در سایه خیانت غاصبین نام سازمان ما به خلق ترکمن توانستند شور و آگاهی انقلابی زحمتکشان را سرکوب کنند، بخوبی میدانند که خشم مردم ترکمن صحرای آتش زیر خاکستر است که اگر شعله ور شود، پای همه های حکومت امپریالیسم و سگهای زنجیرش را به لرزه خواهد انداخت و از این روست که می کوشند تا از فعالیتهای سیاسی و بخصوص از فعالیتهای رفقای هوادار جریکهای فدائی خلق جلوگیری کنند.

اخبار زیر گوشه ای از حملات نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی برای برهم زدن نمایشگاهها و دهکدههاست که همواره با افشاکاری نیروهای سیاسی و حمایت مردم روبرو شده است.

۵۹/۱۰/۴ - پاسداران مزدور به ساط فروش کتاب و نشریه گروههای سیاسی در چهارراه قربان شفیقی حمله برده و یک نفر را دستگیر کردند. مردمی که در محل جمع شده بودند با همصدائی با نیروهای سیاسی که شعار مرگ بر آمریکا میدادند ما شین پاسداران را محاصره کرده و می خواستند مانع بردن شخص دستگیر شده شوند. ما پاسداران بصرعت از مهلکه گریختند. در همین روز پاسداران و ماء مورین شهر بانی در سطح شهر پراکنده شده و به بازرسی بدنی افراد پرداختند. بقرای اطلاع چند نفر نیز که به اعمال آنها اعتراض کرده بودند، دستگیر شدند.

۵۹/۱۰/۲۰ - در پی برگزاری نمایشگاه از جانب هواداران جریکهای فدائی خلق (آرقالار) و مجاهدین خلق تعداد ۲۰ نفر از یاسنان شهر بانی به محل نمایشگاه آمده و پس از توقیف خبرنامه جریکهای فدائی خلق سعی در متفرق کردن مردم کردند. ما افشاکاری این نیروها مانع تحقق خواست آنها شد. چند دقیقه از حضور ماء مورین نگذشته بود که قداره بندان حزب الهی و پاسداران شخصی پوش به اجتماع مردم یورش برده و سعی در برهم زدن نمایشگاه کردند. ما نیروهای مبارز سیاسی باشعار "مرگ بر آمریکا، درود بر آزادی" با کمک مردم دست به مبارزه زدند. چماق بیدستان که از اجتماع و مقاومت مردم به هراس افتاده بودند بتدریج پراکنده شدند. ۵۹/۱۰/۲۱ - دادگاه انقلاب اسلامی گنبد که از حمایت فعال مردم از نیروهای سیاسی در روز قبل به وحشت افتاده بود با صدور اعلامیه ای، فعالیت جریانهای سیاسی را که در خیابانها دهکده و نمایشگاهها برپا کرده و به فروش نشریه مبارز کرده بودند تهدید کرده و تاء کید نموده است در صورت ادا فعالیت ممنوع استون پنجم دستگیر دستگیر خواهند شد و قوانین زمان جنگ را در موردشان با اجرا خواهند گذاشت. عصر همین روز نیروهای شهر بانی در چهارراه قربان شفیقی مستقر شده و سعی در پراکندن مردم کردند. ما نیروهای سیاسی دست به مقاومت زدیم و ماء مورین شهر بانی را وادار به عقب نشینی کردند.

تلاش ماء مورین برای متفرق کردن مردم تا ساعت پنج به جایی نرسید. تا اینکه پاسداران شخصی پوش (بدستور عمادی امام جمعه گنبد نمایی رستا" در درگیریها شرکت کنند) و حزب الهی ها با کلت و چاقو و چماق به مردم و جوانان انقلابی یورش بردند و تعدادی از آنها را مجروح کردند. طی این درگیری یکی از رفقای هوادار جریکهای فدائی خلق به ضرب چاقو مجروح شد.

۵۹/۱۰/۲۲ - تعداد ۶۰ نفر از افراد مسلح شهر بانی و ژاندارمری از ساعت ۲ بعد از ظهر در چهارراه اول و دوم قربان شفیقی (چهارراه شاه هیور سابق) چهارراه منوچهری و خیابان اصلی مستقر شده و با منع رفت و آمد، حکومت نظامی برقرار کردند. ما مردم این اعمال آنها را که نشانگر ترس آنها از آگاهی تودههاست با یورشند جواب می دادند. نیروهای مبارز نیز به طریباترندگی از برپائی نمایشگاه کتاب و نشریه خودداری کردند. بمناسبت یورش مسلحانه مزدوران! رجوع به نمایشگاه کتاب و نشریه و دستگیری و مجروح ساختن مبارزین تشکیلات آرقالار - ترکمن صحرای هوادار جریکهای فدائی خلق ایران با اعلامیه ای با عنوان "رژیم جمهوری اسلامی از آگاهی مردم می هراسد" انتشار داد. در قسمتی از اعلامیه چنین آمده است:

..... در شرایطی که رژیم های ضد خلقی ایران عراق جنگی غیر عادلانه را به خلقهای زحمتکش ایران و عراق تحمیل کرده اند که در پشت آنها دقیقاً "منافع امپریالیسم پنهان است که در نتیجه آن مردم خوزستان خانه و گاشانه خود را از دست داده و در آوارگی بسر می برند. در شرایطی که رژیم ضد خلقی ایران بمبهای نا پالم را بر سر مردم کودکان می ریزد و با حملات فاشیستی خود زنان و کودکان خلق رزمندگردد در روستاهای قارنا، قهلاتان، هندرقاش و..... قتل عام میکند. در شرایطی که رهبران خلق ترکمن در زندانهای عدل! رژیم جمهوری اسلامی ترور می شوند و هم اکنون نیز تحت دسیسه های از ترزندان قهرمان خلق در زندانهای جمهوری اسلامی تحت شکنجه و فشار قرار دارند و..... زحمتکشان میهنمان در می یابند که این رژیم با فریب مسردم و سازش با امپریالیسم روی کار آمده و از برآوردن حداقل خواسته های آنها عاجز است و دقیقاً "بخاطر همین مسئله

است که رژیم شدیداً "بدست و پا افتاده و هرگونه تجمع و افشاگری های نیروهای مترقی را سرکوب می کند. ما ضمن محکوم کردن این گونه اعمال کثیف شدیداً "هشدار میدهم که اگر رژیم شاه خائن توانست با برقراری دیکتاتوری و خفقان از خشم توفنده خلق رهایی یابد شما نیز خواهید توانست .

قائم شهر - روستای پایین لموک

با کمک اهالی جوانی که زخمی شده بود به بیمارستان منتقل شد. ساعتی بعد با سداران سر رسیدند و به منزل جوان زخمی رفته برادر او را دستگیر ساختند. در این بین بکمک شخصی بنام مهدی یحیائی که عضو گروه ضربت و ناظم دبیرستان رازی است و چند نفر از مرتجعین دداستشها دمحلی علیه جوانان مبارز تهیه شد. دشمنان خلق ابلهان تصور می کنند که با این اعمال قادر به سرکوب مبارزات خلق خواهند بود در حالیکه آتش خشمی که در دل آنان از این گونه اعمال زبانه می کشد تمامی دشمنان خلق را در خود خواهد سوزاند.

لازم است گفته شود که اکبر درودگر قبلاً "علیه روستائیان ارطه و بوورخیل و ابوخیل درگیری هایی را رهبری کرده است و بعلمت خوش خدمتی اکنون ناظم دبیرستان سعید نفیسی قائم شهر است .

روز ۱۹ بهمن بمناسبت بزرگداشت حماسه سیهانکل از جانب هواداران جریکهای فدائی خلق روستای پایین لموک نمایشگاه عکسی در مدرسه قدیمی روستا برگزار شد. همچنین رفقای هواداران جریکهای فدائی خلق را در سرتاسر خیابان این روستا نصب کرده بودند. در همین روز فرماندار قائم شهر وارد این روستا شد و یکی از آرمها را پاره کرد و یکی دیگر بوسیله "اکبر درودگر" سرچماق دار معروف و پیا سدار مخفی گروه ضربت پاره شد. یکی از جوانان روستا همانروز بعنوان اعتراض به خانه "درودگر" رفت ولی وی او را بشدت کتک زد و وقتی دو جوان دیگر به این امر اعتراض کردند از طرف درودگر و برادرش مورد ضرب و توبیخ گرفتند. بالاخره

آبکنار

شد. این نمایشگاه توانست گامی در جهت شناساندن اهداف جریکهای فدائی خلق به توده ها بردارد و رژیم وابسته به امپریالیسم را افشاء نماید.

هواداران جریکهای فدائی خلق در روز ۱۹ و ۲۲ بهمن ماه نمایشگاه عکسی در دو نقطه این شهر برگزار نمودند که با استقبال دانش آموزان و مردم روبرو

لاهیجان

۴- در این روز هواداران مجاهدین خلق با سازماندهی مشخصی در خیابان حافظ دست به فروش نشریات خود زدند. پس از مدتی سروکله پاسداران به همراه فالانزها و بسیجی ها پیدا شد و در درگیری که ما بین آنان پیش آمده نفرات هواداران مجاهدین توسط بسیجی ها دستگیر شده و چندین نفر نیز زخمی شدند.

۱- در این روز هواداران جریکهای فدائی خلق و سایر گروههای سیاسی مشغول فروش نشریات خود در خیابان حافظ بودند که قمه کشان و قداره بندان رژیم به آنها یورش بردند. عده قمه کشان به ۱۵ نفر می رسید این عمل ارتجاعی بار دیگر خشم و نفرت مردم را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی افزون ساخت.

دنباله از صفحه ۱۴

کارگران را متفرق کنند اما کارگران با شجاعت تمام در مقابل آنها ایستادند و "مرگ بر پاسدار" گویان شروع به پرتاب سنگ و گل بطرف پاسداران کردند. در مقابل ایستادگی و مقاومت کارگران، سپاه پاسداران مجبور به آزا نمودن کارگزارندانی شدند. اما کارگران به این امر راضی نشده خواستار تحویل ریحعلی خائسن بودند که با آمدن او یک کتک شغل نیز به او زدند.

اسماعیل آبادتلفن کرده و یکی از کارگران را بعنوان عامل اعتصاب معرفی نمود. آنگاه پاسداران ۳ - بدست وارد کارخانه شده و بزرگوار را دستگیر کرده با خود بردند. کارگران هم بدنبال پاسداران به راه افتادند و با عزم راسخ در مقابل زورگویان ایستادند و خواهان آزادی همزمانشان می شوند. در همین اثنا پاسداران شروع به تیراندازی هوایی کردند تا بتوانند

● خرم آباد

بار دیگر تروریستهای مزدور جمهوری اسلامی یکی از هنرجویان مبارز هنرستان صنعتی را بنام بهرام کردستانی "از هواداران مجاهدین خلق" در یک حمله ناگوارانه به شهادت رسانیدند البته او چندی پیش در بحثی که با حزب الهی های هنرستان داشت مورد تهدید یکی از آنها قرار گرفته بود.

سه شنبه ۵۹/۱۰/۳۰ بهرام هنگام بازگشت از مدرسه در خیابان نزدیک مدرسه به رنگبار متصل چند مزدور که سوار ماشین استیشن بودند، بسته شد "طبق گفته شاهدان عینی عامل این ترور اعظم مرادی" او با ش معروف شهر است "رژیم که هیچ تکیه ای بر زحمتکشان ندارد بیشتر ما نه با ترور انقلابیون وحشت تاریخی خود را به نمایش می گذارد که ما بدیابین وسیله از رشد جنبش خلق بکاهد. زهی خیال باطل!!

با این ترور خائنانه با ورهای ذهنیت انسدک مردمی که به اسلامیت رژیم دل بسته بودند، (در خرم آباد) فروریخت آنها بمینه دیدند گلوله های آنان نهادمیریا - لیم و دشمنان خلق، بلکه آماج سینه بهترین فرزندان خلق است.

در ۵۹/۱۱/۹ هنگامی که خانوادۀ شهید و دوستانش بهمین مناسبت مراسمی در سر قبرش ترتیب داده بودند عده کثیری از مردم در قبرستان حضور یافتند، تعدادی از دانش آموزان سرود خوانده و با مقاله های افشاگرانه - ای اعمال ضد خلقی رژیم وابسته را محکوم کردند در همین اثنا که اجتماع عظیم مردم، این مترسکان مزدور را به وحشت انداخته بود سطرف مردم سنگ پرتاب کردند. مردم که طاقتشان تمام شده بود به عکس العمل متقابل پرداختند و این ددمنان که با مقاومت مردم روبرو شدند ژ - سه بدستان را وارد میدان کرده آنها شروع به تیراندازی هوایی!! البته از نوع آریامیری کردند که منجر به شهادت دوزن یکی سی ساله بنام کبری ایاز همایه بهرام و مهربی صارمی دانش آموز، شد. این حمله وحشیانه آنقدر سریع بود که مردم بهت زده می گفتند اینها به هیچکس حتی کودک و بیبرحیم نکردند حتی روی گاردیهای جنایتکار رژیم سابق را رو سفید کردند. دختری نیز توسط ماشین این مزدوران زیر گرفته شد که از ناحیه با مجروح شد بهر صورت آنها هر که را می دیدند مورد ضرب و شتم قرار داده و آنها بی را که شنا سائی کرده بودند دستگیری کردند مردم هنگام بازگشت به شهر سا یرین را در جریان می گذاشتند هر کس این خبر را می شنید خشم و نفرت و آنزجار خود را به رژیم نشان می داد آنها بدرستی فهمیدند که این ددمنان از رژیم، تغذیه می شوند چون یکی از پاسداران را در لباس شخصی هنگام رهبری جماعت بدستان دیدند.

با وجود اینکه عمق فاجعه تا اندازه ای بود که کمتر کسی در شهر مسببان آنرا نشناخته باشد با زرادیسوی جمهوری اسلامی وقیحا نه اعلام کرده و تنی از خواهان ماکبری ایاز و مهربی صارمی که به همراه برادران ملتان!! بر سر مزار شهیدان رفته بودند مورد حمله مجاهدین قرار می گیزند و شهید می شوند البته روزی نامه جمهوری اسلامی از قافله دغلبا زان عقب نمائنده و با استفاده از همان شیوه های آریا مهربی که سعی در مخدوش کردن چهره های انقلابی داشت این جنایت سبعا نه را به مجاهدین نسبت داد اما بر همه مطوم بود که آن دوشهید توسط جماع بدستان رژیم کشته شده اند.

اما دیگر جنای این رژیم رنگی ندارد چرا که مردم بارها این خبرهای جعلی را در روزی نامه های دولتی خوانده و با یوزخندی بی اعتنا از آن می گذرند آری مردم ما به چنان سطح آگامی رسیده اند که دیگر گول این مزخرفات را نخورند خورد، دیر نیست روزی که مردم زحمتکش با قهر انقلابی خویش جواب تمام این ریاکاران را بدهد پس سرگ بسرفریبکساران

● تهران

فروشگاه فردوسی = ۵۹/۱۱/۱۴

صبح سه شنبه ساعت ۸/۵ الی ۹ آخوندی یک مرد را بجرم خریدن احناس این فروشگاه به قیست ارژان (لامپ مهتابی ۱۰ تومان) و فروش آن در بیرون به قیمت بیشتر (۲۵ تومان) به ۸۰ ضربه شلاق محکوم کرد و البته برای انعام این وظیفه "شرعی" مخود در پناه کمیته چی ها دا و طلب شد. مرد مزبور در حالیکه فریاد می زد گفت: من دو سال است بیگار هستم، یک بچه کوچک دارم. برای تهیه شیر خشک به پول احتیاج دارم. من محبوم این کار را بکنم.

آخوند مزبور می گفت: بیخود به مردم دروغ نگویید با آنکه حکم اجرا شده بود با پاسداران راضی نبودند و گفتند ما بدتورا به زندان ببریم مردم میگفت: زشم منتظر است اگر نروم هم بجهو هم اوبی غذا می مانند ولی آنها اعتنا بی نکردند تا گهان اوبا تلاش زیاد خود را از دست آنها خلاص کرده و از پنجره بزرگ خود را بسته خیابان پرت نمود. با آنکه سرو صورتش خونی شده و کمیته ای ها بدنسایش بودند هم منظور می دودید با لخره یک تاکسیران زحمتکش او را سوار کرده و از مهلکه دور کرد. یک زن جاوری که ناظر این اعمال وحشیانه بود با عصیانیت شروع به فحش دادن به آخوندها و پاسداران کرد که او را دستگیر و به کمیته بردند بعد از چند ساعت او با وساطت برادرش آزاد شد.

اعلامیه عده‌ای از دانشگاهیان دانشگاه آزاد ایران

جهاد دانشگاهی یا جهاد وابستگی

پس از حرکتی بر اثر آن رئیس انتخابی شورای دانشگاه آزاد ایران برکنار گردید و فردی از یاران و پیروان گروهی که دانشگاه آزاد هم به اصطلاح در آن ادغام گردیده منصوب شد، تغییرات بسیاری در تمامی زمینه‌ها در این دانشگاه‌ها هدیه شده ایم. درباره اینکه اصولاً "ادغام" دانشگاه آزاد با ویژگیهای خاص خود که رویه‌ها و روشها دانشگاه بزرگی هم بحساب می‌آمد در گروه ادبیات و علوم انسانی کار "غلطی" بمنظورهای خاصی بوده سخن نمی‌گوئیم و بیشتر از عملکردهای مشترک "جهاد دانشگاهی" و رئیس انجمنی وابسته به آن صحبت مینماییم. مدت طولانی بود که کارکنان دانشگاه آزاد در یک حالت بلاتکلیفی قرار گرفته و شایعاتی بگوش میرسید که دانشگاه را منحل میکنند یا فلان بلارابه سرش می‌آورند. انرژی و استعدادها را بسیاری در این مدت بیپایه و بهره‌رفته و گاه صحبت از تصفیه هم میشد آنهم در دانشگاهی که از همان اوایل تصفیه انقلابی توسط خود دانشگاهیان - هیات آغاز گردیده بود. این حالت برزخ مانند، ذهن دانشگاهیان را برای هر چیزی آماده مینمود تا اینکه بالاخره سروکله عضدی (رئیس) و جها دیون پیدا شد. آنها به هیچکدام از خواسته‌های اعضاء این دانشگاه و تقسیمی ششماهه و شروع به ساختن یک بوروکراسی از بالا نموده سرانجام تمامی امور دانشگاه در دست اشخاصی مانند عضدی‌ها، بیگدلی‌ها، ابیدی‌ها، و بسیاری چهره‌های پشت پرده ماندند اینها متمرکز گردید. قصداً این را نداشتیم به افراد برخورد نمائیم بلکه سیستم کار آنها که در اغلب دانشگاه‌های دیگر هم دنبال میگردد مورد نظر است و البته برای پیاده نمودن چنین سیستم غیردموکراتیکی چه کسانی بهتر از این رستاخیزی‌های سابق و مکتبی - های نوین .

بیرامون سوابق این افراد البته پرس و جوهای بسیاری بعمل آمده فقط برای مثال همین آقای بیگدلی را در نظر بگیرید. این شخص به اتفاق پدرش، مؤسس و گرداننده آموزشگاه عالی قضائی و علوم اداری قم بوده - اند همکارهای این شخص و پدرش با ساواک و اختناقی که در محیط آموزشی آنجا بوجود آورده بودند باعث شد که دانشجویان طی اعتصابی در سال ۱۳۵۴ خواستار اخراج این عناصر زدانسکده بگردند، همین چندی پیش بود که پدر و همدستان ایشان به جرم سوءاستفاده و دزدی در دانشگاه "انقلاب" محکوم به پرداخت میلیونی (نسبت به دوران با دختر رئیس ساواک وقت قم سرهنگ مهرا ن از دواج مینماید) (لابد جهت تحکیم هر چه بیشتر وابستگی - های ایشان) همان رئیس ساواکی که در سرکوب طلبه‌های مبارز قم در آن سالها بسیار فعال تشریف داشتند، بهر حال این شخص، رضا بیگدلی در محیط فوق الذکر هر کسی را که لب به اعتراض میگشوده به دفتر خویش خوانده و وی را تهدید به زندان و ساواک می‌نموده است. ایشان دانشجویان را حتی به خاطر اعتراضهای صنفی روانه ساواک میکرد و سرهنگ مهرا ن هم با اصطلاح از آنها زهر چشم میگرفته. اکنون این شخصی عضو شورای جهاد دانشگاهی ایران و معادن اداری گروه ادبیات و علوم انسانی میباشد. چرا چنین اشخاصی بر مصدر امور می‌نشینند و چرا جها دیون در صدد نابودی شوراها و تشکلهای دیگر بر میآیند؟ چرا علیرغم اینکه از "انقلاب فرهنگی" دم میزنند اشخاص فوق را برای انجامش میگمارند و دانشگاهیان را به ترجمه کتبی و امیدارنده که در حرف بسا آن مخالفند؟ چرا آنها در پی تغییر انقلابی سیستم آموزشی که در خدمت توده‌ها باشد بر نمی‌آیند؟ چرا جها دیون بدبینی و عدم اطمینان را رواج میدهند؟ چرا بوروکراسی را از بالا ساخته و تقویت می‌نمایند؟ و چرا استادان مبارز دوران رژیم گذشته را که اتفاقاً از جمله کسانی هستند که از مدت‌ها قبل خواهان انقلاب فرهنگی بوده‌اند را تصفیه مینمایند؟ پاسخ به تمامی این سئوالات این است که آنها میخواهند سیستم وابسته‌ای را که از قیام شکوهمند بیستم ماه و مبارزات قبل از آن آسیب‌های بسیاری دیده بود ترمیم نمایند. و از جمله می‌خواهند دانشگاهی بوجود بیایند که از مبارزین و افراد آگاه‌تری با شدتاً بتوانند کنترل کامل خود را اعمال نمایند و این تداوم حرکتی است که دانشگاهیان را سال قبل به خون کشید و محتوای انقلاب فرهنگی آنها هم‌بنا به اعتراف تمامی سردمداران رژیم همین گفته‌های بالا است، و به همین جهت است که "جهاد" آنها راه وابستگی را طی مینمایند راه انقلاب فرهنگی را.

دانشگاهیان آگاه و مبارز!

بکوشیم در خدمت این کوشندگان راه وابستگی قرار نگیریم، بکوشیم عملکردهای "جهاد دانشگاهی" سد راه مبارزات علیه امپریالیسم و وابستگیهای اقتصادی، فرهنگی، نظامی نباشد. بکوشیم با این جواسفحال حاکم برداشگاه مبارزه کنیم و سعی نمائیم بیوند خود را با استادان مبارز سازیردا نشگاهها مستحکم نمائیم بکوشیم به "خودمختاری" پشت میزهایمان قانع نباشیم. اگر چه آنهم بزودی زود مورد تجاوز قرار میگیرد و خلاصه بکوشیم که دانشگاه همیشه در رتباط و بیوند با جنبش توده ها باقی بماند و اینها ممکن نیست مگر با فدا نمودن منافع فردیمان در مقابل منافع جمعی.

دانشگاهیان آگاه و مبارز!

ما در مقابل جهاد یون راه وابستگی از حمایت از شورا های انتخابی خود نپای دست بکشیم یا اگر فکسر می کنیم حق است که دانشگاهها گشوده باشند در این راه از تلاش باز نمانیم. ما باید به ندای دانشجویانی که به تعطیلی و انحلال دانشگاهها اعتراض نموده اند پاسخی مناسب بدهیم و از آنها حمایت نمائیم. باید به حرکتی گسترده تر در جهت همبستگی با اساتید و کارکنان مبارز سازیردا نشگاهها از جمله دانشگاه صنعتی شریف دست بزنیم و ما باید به مبارزاتی که تا کنون در زمینه های فوق انجام گرفته قانع نباشیم و تار سیدن به هدفها - بیان از یان نشینیم.

بنا بر این شورا هر چه بیشتر با بد تقویت شود و این را به یقین بدانیم که هر گامی که ما پس بگذاریم آنها گامها بجلو خواهند نهادند و این چنین است که دستاوردهای قیام بهمن ماه بنا بدخواست و دریافت و در انتهای اضافه کنیم که آنها واقعا "از همبستگی ما وحشت دارند. بطوریکه حتی طرحهای گروهی ما را نیز با اکراه تصویب می - نمایند و ما باید به تشکلهای انقلابی موجود در دانشگاهها سپیونندیم و با آنها را بوجود بیاوریم تا مبارزاتمان بصورت فردی به در نرود.

مرگ برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا
برقرار بادیوندهر چه بیشتر دانشگاهها
مبارزات خلقهای ایران

عده ای از دانشگاهیان دانشگاه آزاد ایران - دیماه ۱۳۵۹



حاکمیت وابسته کنونی به بهانه موقعیت جنگی
هرگونه حرکت حق طلبانه را با درنده خوئی تمام
سرکوب میکند .
تنهایک خلق مسلح قادر است در مقابل آنها
وحشیانه رژیم ایستادگی نماید .

۷ اکت
مبارزان جریکهای فدائی خلق ایران - کرمانشاه

گنبد دبیرستان کمیته

بنا بر موقعیتش در راه پیشبرد فرهنگ آریا مهری و شرف کت فعالانه در جشنهای هنری چهارم آبان و ششم بهمن و غیره سنگ تمام گذاشته بود و هنگامیکه جنبش انقلابی ما می رفت که بنیاد سلطنت را برکنند این شخص در مقام ریاست مدرسه را هنما می از شرکت فعالانسه دانش آموزان در تظا هرات جلوگیری می نمود و آنهارا تهدید به اخراج می کرد .

آری شاه پرست دیروز ، امروز مکتبی شده ، دیروز چماق تاج و تخت را بر سر ما می کوبید امروز چماق مکتب را ."

اصفهان دبیرستان نیک روش

مدیرفالانژ این دبیرستان کارحاسوسی و خوش خدمتی به آریابان خود را به جانی رسیده است که جلوی چشم دانش آموزان در گردید و رابسته و در پی یافتن اعلامیه به جستجوی کیف دانش آموزان می پردازد . اخیراً "دانش آموزان مبارز در پی اعتراض به این عمل تهدید به اعتصاب کرده اند ولی مدیر می گویند اعتصاب کنید ، ببینید چه آشی برایتان بخته ام .

مهمی

چندی پیش عده ای از معلمین مبارز مهمی توسط اداره آموزش و پرورش این شهر اخراج شدند . در پی این مسئله بقیه معلمین مهمی بعنوان پشتیبانی از اخراج شدگان دست به تحصن زدند . دانش آموزان شهر نیز به همراه مردم به این تحصن پیوستند . اما این تحصن با حمله وحشیانه پاسداران به خون کشیده شد و تعداد ۱۲ نفر از مردم بر اثر تیراندازی این مزدوران مجروح شدند .

کازرون دبیرستان سعید محسن

صبح چهارشنبه ۸ بهمن ماه چماق داران حزب فراگیر جمهوری اسلامی با پنجه بوکی ، زنجیر و جاقسو به مدرسه سعید محسن کازرون حمله کرده و دانش آموزان را که از قبیل شنا سازی کرده بودند ، زخمی کردند . در همان روز حکم اخراج ۱۱ نفر از دانش آموزان انقلابی را نیز صادر نمودند .

دانش آموزان اخراجی و خانواده های ایشان برای اعتراض به این عمل در محل اداره آموزش و پرورش دست به تحصن زدند . که با زهم این تحصن بوسیله چماق داران شکسته شد .

لازم به تذکر است که جو عمومی مدرسه سعید محسن کازرون "حومبارزانی است و حمله اوباشان نیز که بنا به

در سال تحصیلی ۵۸ دانش آموزان مدرسه کمیته گنبد کتا بخانه جا می درست کردند . پاسداران مزدور بعد از جنگ دوم گنبد به آنجا حمله کرده و بسیاری از کتا بها را پاره کردند که البته مقداری که از دیدشان مصون مانده سالم بود . در سال تحصیلی جدید مسئولین مدرسه با تشکیل مجدد کتا بخانه مخالفت کردند تا آنکه در اشرافا ردا نش آموزان بشرط آنکه مسئولیت بسا معلمین مذهبی با شد موافقت خود را اعلام کردند این کار با صلاح دیده هواران جریان منحن کار و مسئولین مدرسه از قبیل طرح ریزی شده بود قرا رشد کتا بها را "پاکسازی" کنند . دانش آموزان که متوجه شدند کتا بها را مخفی کردند و جاسوسان مدرسه که منظورشان از پاکسازی از بین بردن همان کتا بهای مفقود شده بود به مدیر مدرسه "کنعانی" گزارش داده و او دانش آموزان را تهدید کرد اگر کتا بها را برنگردانید اخراج می شوید .

نیروهای سیاسی برای مقابله احتمالی با این اعمال ، گروه مقامی و متی تشکیل دادند تا نه تنها اعمال ضد خلقی مسئولین را ، بلکه ماهیت سازشکارانه هواران - ان جریان منحن کار را هم برای سایر دانش آموزان افشاء کنند که در همین رابطه اعلامیه ای نیز چاپ کردند و با مشکلات فراوان به دیوار مدرسه زدند که با زبانه کردن و تهدید به اخراج روبرو شدند دانش آموزان پوز خند زنان می گفتند این ابلهان می پندارند شور - مبارزاتی ما را فقط مدرسه ایجا می کنند یا با انحلال مدارس و اخراج صدها دانش آموز توانسته اند از ایمان ما به مبارزه بکا هند ؟

قسمتی از اعلامیه مزبور را که در رابطه با توطئه عوامل مزدور ، دانش آموزان ما در کرده اند در زیر می آوریم :

"موج سرکوب سراسر جامعه ما از کارخانه گرفته تا مزارع ، از دانشگاه تا مدارس و از جمله دبیرستان کمیته این کانون آگاهی بخش دانش آموزان نسل انقلاب را فرا گرفته است . کوچکترین اعتراض در نطفه خفه می شود دانش آموزان آگاه و مبارز تهدید به اخراج می گردند . بجرم اخلال در نظم کتا بخانه عده ای تحت فشار قرار می گیرند به خواسته های دانش آموزان هیچ توجهی نمی شود . آنجایی که تیغ زوربردگی ندارد سیاست "مادرانه و خیرخواهانه" توصیه می شود . شکمی نداریم که این همه فشار و اختناق از طریق خاتسم ما هرخ کنعانی "مدیر مدرسه" به دانش آموزان اعمال می گردد .

براستی خانم کنعانی کیست ؟ او در رژیم گذشته مدیر مدرسه را هنما می دخترانه تربیت گنبد بود

توطئه امام جمعه شهر صورت گرفت برای درهم شکستن این جومی باشد.

دابیل دبستان فلاح واقع در حیدرکلا

روز ۱۸ بهمن ۵۹ چند تن از دانش آموزان شوکر صفت دبستان فلاح واقع در حیدرکلا که از جانب مدیر مدرسه بسمت جاسوس نائل آمده اند پس از جستجوی کیف و کتاب یکی از دانش آموزان مبارز پوستر گلبرگی را در کیف او پیدا کرده و بعنوان سند جرم نزد مدیر مدرسه می برند و برای اینکه دانش آموز مزبور مطلع نشود کاغذ سفیدی را بجای پوستر در کیف او قرار می دهند. اینگونه اعمال نمونه ای از فعالیت های بی اصطلاح انقلابی روءای مدارس و دست پروردگان نشان برای مقابله با مبارزات پرشور دانش آموزان است روءای مرتجع که با صدور حکم "مدارس جای درس است" از فعالیت سیاسی دانش آموزان جلوگیری می کنند خود با آموزش جماع و پرورش جاسوس حکم خود را اینچنین اجرا می کنند.

اصفهان دبیرستان دخترانه بهشت آئین

در تاریخ ۵۹/۱۱/۳ یکی از دانش آموزان مبارز که مشغول فروش نشریه در مقابل دبیرستان بهشت آئین بود، مورد حمله یکی از اوباشان قرار گرفت. این حمله با مقاومت شدید دانش آموزان روبرو شد. آنها شاعری دادند "مرگ بر آمریکا" - "مرگ بر ارتجاع" در اثر ازدحام جمعیت پاسداران سر رسیدند و دانش آموزان را متفرق ساختند. دانش آموزان متوجه شدند اوباش مذکور مسلح است و مدیر مدرسه برای حفاظتش او را بدرون مدرسه برده و در راه بروی دانش آموزان بست در همان موقع که دانش آموزان متفرق می شدند اوباش "زادانه" از مدرسه بیرون آمد و "کار" خود رفت. دانش آموزان این دبیرستان چندی پیش نیز از مستخدم مدرسه که حاضر به پاره کردن اعلامیه و نشریه ها که در جلوی دبیرستان از طرف دانش آموزان مبارزین با فروخته می شوند شده بود، حمایت کرده و با شعارها "ما نمیدانیم" "مجلس، زحمتکش" "بیوندتان مبارک" در مقابل اقدامات ارتجاعی مسئولان مدرسه مقاومت کردند. دانش آموزان در تدارک چگونگی ادامه مبارزه خود بودند که در یک روز تعطیلی مستخدم شریف مدرسه را اخراج کردند.

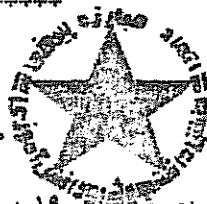
بهبهر

بعد از درگیری اوباشان و نیروهای مفرقی در این شهرستان که منجر به دستگیری ۵۱ نفر گردید، دادگاه ضد خلقی به شهر با همکاری فعالان جریبان مضطرب "کار" اکثریت که اقدام به لو دادن عناصر مفرقی و پخش اعلامیه های پاسداران کرده بودند در تاریخ ۵۹/۱۰/۷ تشکیل شد و زندانیان را بجرم عضویت در انجمن موحده، اخلاص در مدارس و... محاکمه نمود. در این جلسه با اصطلاح علنی حتی پدران و مادران زندانیان سیاسی حضور داشتند. بالاخره جلسه فرمایشی عده ای را آزاد و بقیه را به حبس محکوم کرد.

اصفهان دبیرستان فروغ

در پی اخراج دوتن از دانش آموزان انقلابی دبیرستان فروغ که میادرت به نصب روزنامه دیواری در مدرسه کرده بودند، دانش آموزان، مدیر مدرسه (خانم سجادی) را هو کرده و شعار میدهند: توده ها آگاهیت فرار سید، ارتجاع نابودیت فرار سید. از سوابق خانم سجادی همین بس که در اوایل قیام بهمن هنگامی که دانش آموزان شاعر مرگ بر شاه می دادند وی برای جلوگیری از این امر و ارباب دانش آموزان شما "نام آنرا را یادداشت می کرد.

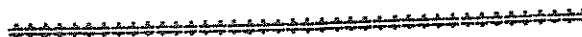
مقدمه چریکهای فدائی خلق ایران
بر "مبارزه مسلحانه - هم استراتژی، هم تاکتیک" نام کتاب جدیدی است که از طرف چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت یازدهمین سالگرد ستا خیز سیا هکل انتشار یافت.



دانشجویان و دانش آموزان مبارز: با پیوستن به جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن، صفوف دانشجویان و دانش آموزان مبارز میهنمان را مستحکم تر سازید.

اسامی زندانیان

تبعیدی زندان سمنان	محکوم به ۱۸ ماه حبس	علیرضا پوینده
" " "	" ۹ "	بهمن افتخاری - حسن شیریان
" " "	" ۹ "	غلامرضا قلندری - رکنی - سلیمی
" " "	" ۱۲ "	شعبان پیروستا
" " "	" ۹ "	اسفندیار درویش - ژاله نادرکامران - حسین قادری
" " "	" ۶ "	منوچهر محمدخانی - اسفندیار کامران
" " "	" ۶ "	ساداتی - بوستان (دختر)
" " "	" ۹ "	رضوی (دختر)
" " "	" ۶ "	موسی الله وردی - بیژن درویش نژاد - شعبان بربری
" " "	" ۱۲ "	محمد عظیمی
" " "	" ۶ "	پرویز شیریان
۲۵ نفر		خراج ازکارخانه



تورم دبیرستان پروین اعتصامی

بدنبال فعالیت دانش آموزان در مدرسه دوشنبه ۵۹/۱۱/۱۳ اسامی ۲۰ نفر از دانش آموزان را به شیعه دفتر مدرسه زدند. روز بعد مدیر مدرسه دانش آموزان فوق را به کلاس راه نداد و در راهرو اقل کرد. دانش آموزان بعنوان اعتراض به سرکلاس نرفته و در راهرو جمع شدند و شروع به دادن شعارهای زیر کردند: اخراج هر محصل توطئه آمریکا است، فعالیت سیاسی آزاد با بدگردد، مرگ بر آمریکا، مختل اخراجی حمایت می کنیم، اتحاد مبارزه پیروزی.

پس دانش آموزان به دفتر رفته و علت اخراج را جویا شدند. مدیر گفت: چون مدرسه های سیاست بازی است بلکه محل درس خواندن می باشد و افراد مذکور در مدرسه اغتشاش!! کرده و اعلامیه پخش نموده اند پس با بد اخراج می شدند و این موضوع به تصویب شورای امنیت!! شهر رسیده است یکی از دانش آموزان پرسید اعضای شورای امنیت چه کسانی هستند ج. - افراد متعدد شهر س. - مثلا "چه کسانی؟ تازه مسئله ما چه ربطی به شورای امنیت شهر دارد خلاصه دانش آموزان مدیر را زیر سؤال گذاشتند و او هم از جواب دادن طفره می رفت بالاخره با اصرار زیاد نتوانستند مدیر را مجبور کنند تا لااقل در برابر روی والدین محصلین اخراجی باز کنند.

مادران از مسئولین مدرسه مدارکی دال بر علت اخراج بچه ها ایشان می خواستند که مدیر بجز ارائه دلایل مسخره چیزی نداشت. قرار شد فردا مجدداً جلسه ای با حضور والدین برگزار شود که در جلسه روز بعد بحث زیادی شد بالاخره قرار شد دانش آموزان، مدرسه را از شعارها (شعارهای فدا مپریا لیستی) پاک کنند تا اخراجها برگردانده شوند.

شنبه ۵۹/۱۱/۸ وقتی دانش آموزان به مدرسه می روند با در بسته مواجه می شوند دانش آموزان بعنوان اعتراض به آموزش و پرورش می روند ولی رئیس آموزش و پرورش حبیبی اظهار می کند می گویند حالا شما بروید اگر شما مدیر مدرسه را بازمی کنیم. از محتوای حرفش معلوم بود او هم در جریان بوده است. روز بعد نه تنها مدرسه با زندی بلکه پاسداری هم در آنجا بود. وقتی دانش آموزان از او پرسیدند چرا شما اینجا ایستادید؟ گفت: تا جان کمونیستها در آید!!! مدرسه سه روز تعطیل است به خانه بروید دانش آموزان محل نگذاشتند سپس گفت: طرفداران جمهوری اسلامی به خانه بروند. وقتی دید دانش آموزان با زان استاده اند گفت: اگر جرات دارید با بیستید تا پاسداری دیگر را بیاورم. و برای آوردن مزدوران دیگر رفت. دانش آموزان برای آنکه درگیری نشود متفرق شدند.

دوشنبه ۵۹/۱۱/۲۰ بر اثر اعتراضات مکرر مدرسه را باز کردند. روز بعد مدیر پس از مراسم دعا گفت یکسری اغتشاشات (بخوان فعالیت سیاسی) توسط عده ای در این مدرسه انجام می شد که ما اقدام به اخراج عا طین آن کردیم و در نشست با والدین قرار شد با دادن تعهد دوباره به سرکلاس بازگردند مگر آنها شیکه قبلاً اخراج شده

بودند و در اغتشاشات فعلی هم سهمیم بودند حق برگشت به کلاس را ندارند. دانش آموزان به این سخنان اعتراض کرده همگی به کلاس بازگشتند مدیر مدرسه ۳۰ - ۲۰ فالانژ مدرسه را تحریک به تحصن بعنوان اعتراض به بازگشت دانش آموزان انقلابی کرد و بیخاطر تحصن این عده معدود مدرسه تا شنبه تعطیل شد. روز شنبه دانش آموزان اخراجی را به کلاس راه اندادند و اینبار دانش آموزان مبارز متحصن شدند.

یکشنبه ۵۹/۱۱/۲۶ دانش آموزان اخراجی به دبیرستان آمدند ولی چندین پاسدار و سرباز را به مدرسه که در مدرسه ایستاده بودند تنها با پرسیدن اسمی دانش آموزان آنها را راه می دادند. بچه ها هم در همان زنگ اول متحصن شدند هنگامیکه یک معلم می خواست از مدرسه خارج شود دانش آموزان لای در را گرفتند و محصلین اخراجی را بیرون راهرو آوردند ضمناً "شورا قطعنامه ای تصویب کرد که در زیر خواهیم آورد و روزهای بعد هم به همین ترتیب گذشت. عده ای انگشت شمار با تحریک مسئولین مدرسه دست به تحصن زدند که سودی نداشت و آنها در مقابل خیل بی شمار و مصمم دانش آموزان مبارز کاری از پیش نبردند.

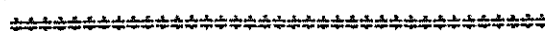
مفاد قطعنامه شورای دانش آموزی

- ۱ - ما از مقامات مسئول می خواهیم دلایل اخراج ۲۰ دانش آموز را برای دانش آموزان تشریح کنند.
- ۲ - ما اخراج دانش آموزان انقلابی را بهیچ وجه و به هر شکلی که باشد محکوم می کنیم.
- ۳ - ما شورای دبیرستان بیروین اعتماد می خواهان بازگشت بدون قید و شرط دانش آموزان اخراجی می باشیم.
- ۴ - ما از کلیه دانش آموزان می خواهیم که در برابر چنین حرکاتی ایستادگی کرده و با اتحاد و عمل دانش آموزان را برگردانند.
- ۵ - ما از تاریخ صدور قطعنامه تا تاریخ ۵۹/۱۱/۲۸ به مقامات آموزش و پرورش فرصت می دهیم که به دانش آموزان را به کلاس درس بازگردانند.

شورای دانش آموزان

توضیح

حیثی رئیس آموزش و پرورش درود در دوران گذشته دارای انحراف اخلاقی بوده و بعداً "در همان رژیم توبه کرد. همچنین این شخص فاقد اخلاق با یورکی رئیس گذشته آموزش و پرورش درود در زمان شاه و دبیرکل حزب رستاخیز رابطه نزدیک داشته و آلان وابسته به حزب جمهوری اسلامی است همچنین مدیر مدرسه هم وابسته به حزب جمهوری اسلامی است.



بابل

شناست فقط در سرکوب مداوم و در تلاش برای جلوگیری از رشد آگاهی خلق می تواند به حیات انگلی ادامه دهد. مدارس و دانشگاهها یکی از ماکانهای است که فرزندان خلق تحت ستم به فراگیری علم دانش مشغولند. و اغلب در آنجا تحت تاء شیر مبارزه طبقه تسی به منافع خلق آگاهی مییابند و طبقه های آگاهی را به قلب اجتماع می برند و حیات خاکمیت امپریالیستی را در معرض خطر قرار می دهند.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی تلاش بیپوده ای در به بند کشیدن خلقها و خاموش کردن شعله های آگاهی را دارد. دانش آموزان انقلابی بدون توجه به اطلاعیه های آریا مبری و سرکوب و دستگیری همچنان بیسره مبارزه خویش ادامه می دهند و به افشاء ماهیت ارتجاعی رژیم می پردازند.

رژیم وابسته جمهوری اسلامی طی دو سال حیات ننگین خویش همواره نشان داده است که جز سرکوب و کشتار روبه بند کشیدن آزادی های دموکراتیک رسالت دیگری ندارد. در این رژیم فقط کسانی حق حیسات دارند که محری سیاست های امپریالیستی هستند برای نمونه به بند اطلاعیه آموزش و پرورش بابل به شماره ۲۲۶۲۲ / ۵۹/۱۰/۱۷ اشاره می کنیم.

"هیچ گروه، سازمان و دسته ای حق تبلیغ به نفع خود در محیط آموزشگاه را ندارد"

ولی می بینیم که انجمن های اسلامی این کارها را می کنند و توطئه گری چگونه در تمام ارگانهای مملکتی از کارخانه تا مدرسه به توطئه چینی و فتنه سازی انگیزی سر طبقه نیروهای مترقی و انقلابی مشغول هستند. رژیم جمهوری اسلامی از رشد و شکوفائی اندیشه های آزاد و هراسناک است و این عجیب نیست. چرا که خاکمیت امپریالیستی هیچ حقی برای خلق نمی...



دیرستان / خدات / خنرستان

برای سالم سازی محیط آموزشی و دور نگه داشتن از تعلیقات سیاسی احزاب لاجت تا موارد زیر را دقیقاً مد نظر قرار داده و طاباً آنها به اجرا در آورید.

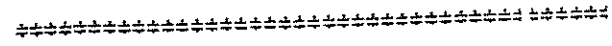
- ۱- هیچ حزب، گروه، سازمان و دسته ای حق تبلیغ منفی خود در محیط آموزشگاه را ندارد.
- ۲- با توجه به بند ۱ هیچ نوشته و شمارو یا پوستری بعنوان احزاب و گروههای سیاسی و یا هوا داران آنها در محیط مدرسه مشاهده نشود و گنیه فعالیتهای فوق برناه باید زیر نظر مرین پرورشی انجام گیرد.
- ۳- ترمین انتخابی گردد تا دانش آموزان مدارس دیگر بدون داشتن دلا بل موجه در آن - آموزشگاه وارد نشوند و بطور کلی مرود هر فرد بهگانه ای از نظر آن آموزشگاه پنهان نماند.
- ۴- تا شاگردی از مدرسه اخراج نشده است بخا غیر خلافت، به مراکز انتظامی، مومن گیت و سپاه ممبری نشوند و پس از اخراج به لحاظ اینکه سخن در مدرسه ندارند و باز مزاحم کار مدرسه میشوند مرا تیب اداره اطلاع داده شود تا بطریق مقتضی اقدام گردد.
- ۵- نیاز جط مت یک فریضه دینی است و باید زیر نظر مرین پرورشی و با انحن اداری کماکان ادامه یابد و برگزاری نیاز جط مت جدلا گانه منا یر با اهداف نیاز جط مت است و در مرود - تا طین اقدام مقتضی بعمل آید.
- ۶- مسئولیت اجرای مراسم صبحگاهی و ورزش صبحگاهی با مرین پرورشی است و مدیر موظف به همکاری نزدیک با مرین مربوطه است.
- ۷- شمارهای در جزینان مراسم نیاز و مراسم صبحگاهی داده میشود که هلا بتائید امور پرورشی این اداره رسیده باشد و از بیان هرگونه شمار ۶ بجز خود داری شود.
- ۸- در صورت مشاهده تخلف مر موارد فوق ابتدا بقره حاطی ننه رقم داده مرود و در صورت تکرار مرود بلا فش با اطلاع والدین او برسد و اگر امکان چنین تما سن میسر نیست به دانش آموز مزبور اعلام - کنند که دیگر در این مدرسه سخن ندارد و ادامه تحصیل او بسته بتائید مجدد اداره متبوه است - نظاً متا گر بشود که ابتدای امر فقط مشخصات دانش آموز مزبور را با اداره اطلاع دهید و پس از - مسجل شدن اشرا جش براقب را با اطلاع زاندار مری ناحیه برسانید و در همه این احوال مرود - دانش آموز در مدرسه باقی خواهد ماند.
- ۹- موارد فوق را بتوله دستور المل تلفی کرده و اجرای دقیق مفاد آن با مدیر آن آموزشگاه ست . پآ

رئیس اداره آموزش پرورش شهرستان مابل - محمد... حضرتی

لاهیجان ۵۹/۱۱/۲۱

یکی از دانش آموزان دبیرستان عبدالسرزاق بمنظور استقبال از قیام ۲۲ بهمن، برجم آمریکا را به مدرسه آورده و آن را در حضور دانش آموزان به آتش کشید. دانش آموزان نیز با شعارهای مرگ سر آمریکا فریادشان را سردادند.


مدیر دبیرستان به دانش آموز مزبور گفت: تو با این عمل خود مرا محصور کردی که اخراج کنم و بعد هم از وی خواست تا سرورنده اش را گرفته و برود. این عمل "اسلامی" مرتجع یا مفاومت شدید دانش آموزان و وساطت عده ای از شورای دبیران مواجه شد. و در نتیجه دانش آموز هنگامیکه دانش آموزان به کلاس رفتند. "اسلامی" مزبور به کلاس بازگشت!



ارتش ضد خلقی برای جبران کمبود نیروی خودسرباز بیمانی استخدام میکند

هر روز که از عمر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی می گذرد، مردم بیشتر به ما هیت آن پی برده و برای سرنگونی آن مصمم تر میشوند. وبه همین دلیل هم ما هر روز شاهد عقاب و اوج گیری مبارزات مردم میهنمندان هستیم. مردم مبارز کردستان با عزمی راسخ و قلبی مالامال از امید سه پیروزی هر روز ضربه ای بر پیکر فاسد رژیم متزلزل جمهوری اسلامی وارد می آورند. کارگران در کارخانه ها با اعتصاب و تحصن، و گاه با حملات مسلحانه خود در صد احقاق حقوق خود هستند. جنبش دانش آموزان از آنجنان اعتلایی سرخوردار است که رژیم جنون آسا به سرکوب آنها پرداخته، روستائیان زمینکش ما با توسل به اتحاد دویکیا رنجی و نیروی قهر به مصاف دره زمینهای زمینداران وابسته می پردازند. در هر گوشه از میهن هر روز جوانه های مبارزه ضد امپریالیستی شکوفا ترمی - گردد و متناسب با آن رژیم ضد خلقی بدو حشت افتاده و تنهایی را در بقای خود را در سرکوب هر چه بیشتر و خوشتر زحمتکشان می یابد. بعد از قیام ما دیدیم که امپریالیسم و رژیم وابسته به آن برای حیران کمبودهای ارتش از هم پاشیده و خود باخته، دست به سازماندهی ارگان سرکوب جدیدی بنام "سپاه پاسداران" زد تا بتواند خلاء ناشی از ضعف ارتش را بپرکند و با زمانه های گروههای مختلف سرکوب مثل گروههای حماق بدست و فالانژ، بسیج، ... از جمله تدارکات دستگا در سرکوب رژیم است.

این بار شیوه جدید تاء میس نیرو برای دستگا های سرکوب را در ارتش مشاهده می کنیم. فرمی را که در زیر ملاحظه می کنید آگهی استخدام سرباز بیمانی است:



جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور
سازمان آرمی گمان

بنام خدا

تاریخ: ۱۳۵۹/۸/۲
شماره: ...
پوست: ...

بسمه تعالی
نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران
آگهی استخدام

بادگان منجیل بمنظور تامین کسری برسد بگانه های سازمان بگانه های تسلیحاتی را انجام داده باشد. با شرایط زیر استخدام می نماید. داوطلبین میتوانند هم روزهاستثنای روزه های تعطیل از ساعت ۷ صبح الی ۷ عصر در دست داشتن مدارک مربوطه مستاد بادگان مراجعه به ترتیب پذیرش آنگاه در آن مشور.

فرمانده بادگان منجیل سرهنگ کورنگ بهشتی

مدارک استخدام

۱- فتوکپی آخرین مدارک تحصیلی بکلیه (پایان ابتدائی به بالا)

۲- فتوکپی زمین کار بیان خدمتی سالهای ۴ و ۵

۳- فکس ۳۳۴ قطعه

۴- تعهد کتبی کفمنزه آن در مدت استخدام موجود است.

۵- سرگواهی سلامت جسمانی از طریق بیمارستان ارتش

۶- همین شناسنامه بکلیه فتوکپی آن شرایط

۱- خدمت در سازمان را داوطلب بصورت شایسته و نوری بود. و هرگز به سکن و غذا ایشاک به سبب ارتشی.

۲- در طول مدت یکسال خدمت داوطلب حق استانه از ۲۰ روز مرخصی را با استفا به از حقوق دارد.

۳- داوطلبان با یستی مسلمان و مومن با نطق به سلامی باشند.

۴- داوطلبان برای مدت یکسال از تاریخ شروع خدمت استخدام می شوند از یکسال چنانچه تعادلند اختصا ویا مورد نیاز ارتش جمهوری اسلامی ایران نباشد از خدمت مرخص میشوند.

۵- حقوق سربازان داوطلبانها همانند ۲۵۰۰ ریال خواهد بود.

۶- کلیه سربازان داوطلبان از ۴ ماه خدمت ۳ ماه حقوق خواهد داشت.

گزارشی از پادگان امام حسین (ع) کادر (فرح آباد سابق)

پادگان ۱۹ کادریک پادگان آموزشی سربازان و افسران وظیفه است. فرماندهی پادگان بعهده شخصی بنام سرهنگ دوم "رخشانفر" می باشد.

بعد از موافقت فرماندهی در پادگان احازه داده شد که روزنامه های رسمی داخل شده و مطالعه گردد. البته بشرط اینکه مطالب روزنامه ها مورد نقد و بررسی قرار نگیرد تا مبادا انضباط درون پادگان بهم ریخته شود. فرمانده پادگان نیز با سخنرانیهای توجیهی خود و تشویق دانشجویان* به انضباط درونی و دوری انسان از گروههای "ضدانقلاب" سعی در حفظ و کنترل اوضاع دارد. هر چند روز در مراسم صبحگاهی نامه های مختلفی بنام امضای بنی صدر، فلاحی و دیگر فرماندهان رده های بالاتر در مورد انجام احترامات، اطاعت از دستورات فرماندهان خوانده میشود و در آخر همه آنها ذکر میگردد که در صورت عدم احراز و تخطی دستورات شدیداً "طبق تاءکید امام مجازات و تشبیه خواهند شد، فلان و سپهان خواهند شد....."

مختصری در مورد دایره سیاسی - ایدئولوژیک: مسئول این اداره در پادگان یک ستوان دوم است. وی در سخنرانی اول خود گفته است "عده ای شایع کرده اند ما همان اطلاعات و ضداطلاعات ارتش هستیم، در صورتی که در ارتش مسلمین (در صدر اسلام) این دایره دامنه کار وسیع تری داشت و خزلاینفک ارتش بوده و چیز خوبی است. اما دایره سیاسی - ایدئولوژیک اینطور نیست زیرا این اداره خارج از وابستگی به سازمان یا گروه خاصی و ظابف سنگین اطلاعات و ضداطلاعات را انجام میدهد. شما نیز با استفاده از سخنرانیهای مختلف در این زمینه آموزش خواهید دید." حرفهای وی از همان نخست مورد تمسخر دانشجویان قرار گرفت. از طرف فرماندهان دستورها در شده بود که کسی حق هیچگونه سؤال، اعتراض و بحث را در این جلسات ندارد، در غیر این صورت شنا - سایی و تشبیه خواهد شد. اما دانشجویان به اشکال مختلف اعتراض خود را نشان میدادند. بعنوان نمونه: در چندین جلسه که سخنران تصدثوهین به سازمانهای مترقی را داشته همه دانشجویان گردان حدود (۶۰۰ نفر) با هم شروع به "سرفه کردن" کرده و با خود را بخواب زده اند و باعث شده اند که سخنران موضوع را عوض کند. جلسات دایره سیاسی - ایدئولوژیک هفتدای سه بار بمدت ۲ ساعت است و فرصتی است تا دانشجویان همبستگی خود را حفظ کرده و آنها نتوانند از دانشجویان اطلاعات جمع آوری کنند. این همبستگی و اتحاد منجر به ابستادگی در مقابل سیاستهای تفرقه افکنانه فرماندهان که جهت عمده کردن منافع شخصی آنها را بیجا مورد تشویق و تشبیه قرار می دهند، شد و توطئه های آنان را نقش بر آب ساخت. مثلاً زمانی که یک گروه ۹ نفری را نسیسه کرده و گروه دیگری را تشویق کرده بودند که از این طریق به هدفهای پلاند خود برسند دانشجویان مترقی اصرار بر اصلاح کرده و با ترحم و حکومتی از سیاستهای مداخلتی مانع شدند گروه گشتند. این قاطعیت باعث شده ما فرمانده محسور به عقب نشینی کرد.

* در این سبک می گذرد و آموزش افسری را طی میکنند و حقوقش معهود.

.....

خبرش قهرآمیز ۲۹ بهمن تبریز

انعکاسی مادی مبارزه مسلحانه

در حرکت توفنده توده ها است

سربازان آموزشی زاندارمیری دوآب (گروهان ششم)

این سربازان از ناحیه گیلان به یادگان آمده و از همان استدا بر سر کم بودن وسایل اعتراض داشتند. مسئله با فرماندهان مطرح شد و پاسخ فرمانده این بود که در شرایط جنگی صبر داشته باشید. سربازانی کسسه تحمل را از کف داده بودند گفتند: "شما با مطرح کردن جنگ حق ما را می خورید."

گروهان ششم از سرهنگ دوم شهرزاد، سعیدی نژاد فرمانده ستون عملیاتی آبادان و فرمانده فعلی یادگان برای پاسخگویی دعوت نمود. اینک عین گفتگو:

سرهنگ: آقایان هر چه را که می خواهید بفرمائید من بگویم.

یکی از سربازان: جناب سرهنگ بفرمائید اگر تدارکات نیست چرا ما را به خدمت احضار کردید؟

سرهنگ: آقایان در شرایط جنگی

یکی از سربازان: آقا شما همش شرایط جنگی رو

سرهنگ: خفه شو، وسط حرف من نیرو!

سرباز با کندن پیرهن سربازش گفت: این ارتش ضد خلقیه من در اون خدمت نمی کنم.

سرهنگ: دژبان بندازش زندان!

بسی از آن سربازان دست به محض زدند، از مابقی حرمان اطلاع دتبقی در دست نیست.

سرکوب مردم و نیروهای انقلابی بوسمه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی

لاهیجان

کسسه ۵۹/۱۲/۱۰، مزدوران رژیم جمهوری اسلامی با حماقی، همه وسیله سرکوب به نیروهای سیاسی که در میدان شهر منقول فروش نخرات سازمانهای انقلابی و مبارز بودند، حمله و رشده و سر و حرج آنها را برداختند.

اوساش خود فروخته، بسیاری از هواداران سازمانهای سیاسی مترقی را مصوب کردند و در مسر خود کسی را که به نظرشان "مشکوک" می رسید، به زیر ضرب میگرفتند. این حمله آنچنان خشن و وحشیانه نبود که بسیاری از مادران بی اختیار میگریستند.

نیروهای انقلابی و مبارز در حالیکه در مقابل این یورش ددمنشانه مقاومت میکردند، بیش از پیش چهره گریه و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را نزد مردم افشاء کردند. در پایان این روز مردمی که برای شنیدن افشاگریهای نیروهای انقلابی و مبارز جمع شده بودند، با شعار "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع" متفرق شدند.

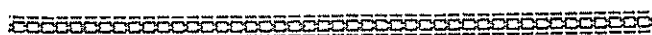
دوشنبه ۵۹/۱۲/۱۱، پس از آنکه پاسداران مزدور به نیروهای مترقی حمله کردند و موفق بدستگیری کسی نشدند، حدود ساعت ۵/۵ عصر تعدادی جماعت را بعد از یک راهپیمایی در سطح شهر به خانه "قربانی" حاکم شرع رفتند. "قربانی" نیز به جمع این مزدوران پیوست و پس از حضور در مسجد جامع لاهیجان طی یک سخنرانی به تمام ارگانهای سرکوب از قبیل شهرتانی، سپاه پاسداران، بسیج و غیره دستور داد تا جلوی فروش نشریات "ضدانقلابیون" را بگیرند و فروشندگان نشریات را به "دادگاه انقلاب اسلامی" بیاورند. "قربانی" در خلال سخنرانی خود به بازاریان نیز دستور داد تا از فروش نشریات سازمانهای انقلابی و مبارز در مقابل دکانهای خود جلوگیری کنند.

سه شنبه ۵۹/۱۲/۱۲، در این روز جماعتداران رژیم جمهوری اسلامی با قمه و جماعت به بسیاری از مغازه های شهر یورش آوردند و شیشه های بیش از بیست و شش مغازه را خرد کردند. از نظر رژیم جمهوری اسلامی و اوپاش مزدورش، جرم این کاسیکاران این بود که با سرپیچی از اجرای دستور "حاکم شرع" نشان دادند که فرق بین دوستان و دشمنان خود را میدانند و از سرکوبهای انقلابی و مبارز حمایت میکنند از گریه های که در پیوسته میش رفتند.

چهارشنبه ۵۹/۱۲/۱۳، به نشانه اعتراض نسبت به حمله مزدوران حکومتی به مغازه های شهر کلیه دکانداران دکانهای خود را تعطیل کردند و طی نامه هایی بدخمینی، مجلس شورای اسلامی و رئیس جمهور خواستار رسیدگی به حمله جماعتداران شدند و اعلام کردند تا رسیدگی به این مسئله مغازه های خود را باز نخواهند

کرد. واقعه لاهیجان آنچنان ابعاد گسترده ای بخود گرفت که روزنامه های حکومتی نیز خودرانا توان از لاپرو - شانی آن دیدند. روزنامه انقلاب اسلامی - یکشنبه ۵۹/۱۲/۱۷، ضمن تاء بید خبر تخریب بیش از بیست مغازه و ادا ما اعتصاب بازاریان لاهیجان، علیرغم اخطار حاکم شرع، خبر از کشته شدن دونفر در این شهر می - دهد. همچنین هاشمی رفسنجانی درسخرانی روزیکشنبه ۵۹/۱۲/۱۷ خود در " مجلس شورای اسلامی " ضمن نسبت دادن پاره ای القاب به سازمانهای انقلابی و مبارز که تنها نایسته خودا وست گفت: " در لاهیجان گسرو - هکهای کشیف که هم از توبره میخورند وهم از آخور، هم از آمریکا تغذیه میکنند هم از شوروی، اعلام استقلال و تسخیر فرمانداری لاهیجان و اعلام تسخیر کمیته های خلقی و دادگا هها و درخواست تعطیل آموزشگا ههای شهر را میکنند " (روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۵۹/۱۲/۱۸)

سردمداران رژیم بدانند که با این تبلیغات نمیتوان جلوی رشد مبارزات توده ها را گرفت، زیرا امر - وزه توده ها از عملکرد این دولت ضد خلقی که فقط در راه منافع امپریالیسم گام برمیدارد، کاملاً آگاه هستند. هر جا حقوق خلق مورد یورش قرار گرفت، توده ها بپا خاسته با یکپارچگی و اتحاد در مقابل رژیم ایستادگی کردند که نمونه این اتحاد در ادیروز در دفاع مسلحانه از روستای هندرقاش کردستان و امروز در مقابل مست مردم لاهیجان که لرزه بر اندام حاکمین مزدوران داخت، میبینیم.



یاد صدق گرامی باد

دکتر محمد مصدق در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۴۵، پس از ۱۳ سال تبعید در احمدآباد درگذشت. اکنون گرامی - میداشت یاد دکتر مصدق نه تنها از آثروست که این مرد بزرگ در کشور تحت سلطه ما، به مبارزه بر علیه سلطه امپریالیست ها برخاست و با آنها مبارزه کرد و تا به آخر نیز بر آلمان های خود پای فشرد، بلکه بدین خاطر نیز هست که در این روزها که سردمداران حکومت و فرصت طلبان سیاسی، عوام فریبی، سیاست بازی و دروغ و نیر - نگ را بجای واقعیت تاریخی نشانده اند، یادآوری تاریخ مبارزات دکتر محمد مصدق که در واقع بخشی از تاریخ مبارزات فدا امپریالیستی خلق تهران ایران است، اهمیت ویژه ای کسب کرده است.

اکنون مصدق از دوسو موردتهاجم قرار گرفته است. از یکطرف سردمداران حکومت از خمینی گرفته تا سردمداران حزب " فراگیر " جمهوری اسلامی ناروا ترین دشنامها را به او روا میدارند و از سوی دیگر برخی سیاست بازان حرفه ای که سالها در کنج عافیت خزیده بودند، سپس در جریان جنبش عظیم خلق ما مجسدا " انقلابی " شدند، خود را ادا مه دهنده راه مصدق معرفی کرده و در حالی که تا مغز استخوان به امپریالیست ها وابسته اند، خود را ملی قلمداد میکنند.

اگر خمینی و سردمداران حزب جمهوری اسلامی اینچنین کینه توزانه به مصدق و راه او بیورش می آورند، بدین خاطر است که مقایسه حکومت ملی مصدق و مبارزات او بر علیه امپریالیست ها با حکومت فعلی، مشت این دروغگویان را باز میکند و نشان میدهد که آنان چگونه " فدا امپریالیستی " هستند. تمامی کوشش آنان در اینجهت است که مردم، چنین مقایسه ای را انجام ندهند، آنها برای اثبات گفته های خود بارها به آئنده مدعی مارکسیسم اشاره میکنند، اما از مصدق مسلمان هیچ صحبتی بمیان نمی آورند. زیرا شیله از اینجما بسیار دور است و میتوان که هر چه بخواهند در باره آن سگویند. اگر حکومت کنونی به طرفداری از آیت الله کا - شانی و بر علیه مصدق تبلیغات میکند و اگر عنصر کشیفی همچون حجت الاسلام فلسفی بر مصدق و مبارزات او می تازد، بدین خاطر است که سردمداران کنونی راه کا شانی ها و فلسفی ها را رفته اند، نه راه دکتر مصدق را. این آیت الله کا شانی بود که با امپریالیست ها ساخت و پاخت کرد و بر علیه دکتر مصدق و مبارزات فدا امپریالیستی مردم ما وارد صحنه شد. این آیت الله کا شانی بود که به تاء بید کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد پیر داخت و عنا - صر مزدوری چون فلسفی این واعظ حمد و ثنا گوی " شاه جوان " او رایاری میکردند. پس چه جای تعجب است که آنان اینچنین به مصدق، به راه او، به آلمان های او و حتی به خاطر او بیتازند؟

اگر مصدق کوشید تا راه مبارزین انقلاب مشروطه را ادا مه دهد، اینان میکوشند که راه شیخ فضل الله نوری را ادا مه دهند. شیخ فضل الله نوری ای که به حمایت از سلطه امپریالیست ها و پادشاهی قاچار میکوشید تا " مشروعه " را - همین " مشروعه " کذائی که اکنون مردم میبچمان شاهد آن هستند - بجای مشروطه بمردم تحمیل کنند.

شیخ فضل الله ای که انقلابیون مشروطه خواه با دار زدن او وجود نحش را از صحنه روزگار پاک کردند و فرزند انقلابی او به شادی بریای دار این پدرنا بکار دست افشانی کرد.

اگر قرار باشد که مردم ماقطع رابطه با امپریالیست ها را آنگونه که مصدق کوشید تا به انجام برساند و "قطع رابطه" با امپریالیست ها را اینگونه که حکومت کنونی میکوشد، تبلیغ نماید، مقایسه کنند، اگر قرار باشد که مردم سیاست موازنه منفی دکتر مصدق را با سیاست خارجی حکومت کنونی مقایسه کنند، اگر قرار باشد که مردم بودجه ملی دکتر مصدق را با بودجه کذافی حکومت فعلی مقایسه کنند، اگر قرار باشد که مردم صره اقتصادی ایران را از سوی امپریالیست ها در دوران حکومت دکتر مصدق با با صراح محاصره اقتصادی کنونی مقایسه کنند، آنگاه برای عوام فریبی های حکومت جمهوری اسلامی چه حاشی باقی میماند؟

* * *

راه مصدق از سویی دیگر نیز مورد هجوم قرار گرفته است. اینان شگرد حجت الاسلام فلسفی ها، هاشمی رفسنجانی و خامنه ایها و آیت الله بیشتی ها را بکار رومی برند، بلکه درست نعل وارونه میزنند. اینان خود را ادا مدهنده راه مصدق مینامند و خود را شاگردا و میخوانند. از بختیار گرفته تا دار و دسته بازرگان و جبهه ملی جی ها، همگی مدعیند که ادا مدهنده راه مصدقند!! اینان که همچون دسته اول تامنر استخوان و استه به امپریالیست ها هستند و حتی این واسنگی را با صراحت بشنری از دست اول سر زبان میرانند به اعتبار آنکه در دوره مبارزات دکتر مصدق در جبهه ملی اول شرکت نموده بودند، مسکوشد چهره و استه خویش را در پشت چهره ملی دکتر مصدق پنهان نماید.

اگر دسته اول علنا "مخالفت خود را با عشق به میهن و ملیت به این بهانه که ما اسلام مخالف است به زبان می آورند، اینان خود را "وطن پرست" میخوانند! در حالی که "وطن" را قبل از قیام بهار زانترین بها با امپریالیستها معامله کردند. شیوه اینان از شیوه دسته اول بمراتب رندانه تر است. آنها از عشق مردم ما به میهن خود و علاقه آنان به مصدق آگاهند. پس برای قرب توده ها مصدق و راه او را تاه بید میکنند، شاید که بدینگونه نیز یکبار دیگر بر موج جنبش توده ها سوار شده و آنرا بکراه بکشانند. اینها میدانند که توده های ما بخاطر سلطه امپریالیست ها بر میهنمان

خواهان آزادی وطنند، پس اینان نیز لیباس "ملی گراشی" برتن میکنند تا از این طریق همچنان خلق ما را در قید و بند سلطه امپریالیستها نگاه دارند.

درسهای بس بزرگی که مبارزات ملی دوران حکومت دکتر مصدق برای مبارزه با امپریالیسم در شرایط کنونی بمانی آموزد به افشای ماهیت حکومت فعلی که خود را بدروغ مخالف امپریالیست ها قلمداد میکند کمک مینماید. مردم ما با بدبه دوران حکومت دکتر مصدق و جنبش توده ای که در آن زمان بر علیه سلطه امپریالیست ها صورت میگرفت، با دقت تاه مل کنند:

مصدق مبارزی ملی بود. بدینجهت برای قطع سلطه امپریالیسم به اقدامات حقیقتا "ضد امپریالیستی" دست زد. از مهمترین اقدامات ضد امپریالیستی او ملی کردن نفت و قطع نفوذ کمپانی های انگلیسی در ایران بود. مصدق با خاندان کتشف پهلوی نیز به مبارزه پرداخت. اما باید دانست راهی که مصدق برای تحقیق آرمان های خود برگزیده بود، نمیتوانست به قطع کامل سلطه امپریالیسم منجر شود. او میکوشید تا با دست زدن به رفرم هاشی، سلطه امپریالیست ها را در میهن ما برچیند. او اساسی ترین عامل بقاء امپریالیسم



یعنی ارتش را با همان ساخت و یافت حفظ کرد. بدین امید که افسران، درخداران و سربازانی که به آرمان های ملی و وفادار بودند، جلوی هرگونه توطئه را خواهند گرفت. اما دیدیم که ارتش دست ساخت امپریالیسم چگونه در شرایط "مناسب" سربر آورد و با کودتای ۲۸ مرداد حکومت ملی دکتر مصدق را سرنگون ساخت و

بار دیگر این تجربه خونین تاء بید شده خلق ها بدون نا بودی ارتش امپریالیستی که آنها را با ارتش خلقی در طی نبردی طولانی امکان پذیر است ، نمیتوانند سلطه امپریالیسم را از میهن ما بکنند .

بسیار اشتباه خواهد بود اگر کمان کنیم که موفقیت امپریالیست ها در ۲۸ مرداد ۳۲ صرفاً " نتیجه خیانت های حزب توده بوده است . این درست است که خیانت های این حزب کذائی ضربه بزرگی به مبارزات خلق زد ، اما قبل از آن این اشتباهات مصدق بود که عامل شکست مبارزات ملی گردید .

مصدق از طرفی خواهان کوتاه کردن دست امپریالیست ها از ایران بود و از طرف دیگر او میخواست سیستم سرمایه داری را در ایران حفظ نماید . بنا بر این مصدق از نظر طبقاتی بیشترین تکیه را بر سرمایه داران ملی ایران داشت . او از قدرت کارگران و دهقانان استفاده ننمود . از آنجا که دهقانان و بلاخص کارگران خواهان رادیکال ترین مبارزه علیه امپریالیسم هستند ، در صورت شرکت وسیع آنها در مبارزه ، این امکان وجود داشت که سیر جریانات از مسیری که مصدق خواهانش بود ، خارج شود . باین ترتیب مصدق نتوانست با تکیه بر قدرت توده ها با شیوه های قاطع به جنگ امپریالیسم برود . او از شیوه های پارلمانتاریستی استفاده کرد و تصور مینمود که بدون قدرت کارگران و دهقانان و با مبارزات قانونی قادر به قطع نفوذ امپریالیسم از ایران - آن خواهد بود و دیدیم که با تمام تلاش و کوشش صادقانه ای که برای بیرون راندن امپریالیست ها از ایران نمود ، شکست خورد .

این خود درس بزرگی است و نشان میدهد در میهن ما تنها انقلابی میتواند به پیروزی واقعی منتهی شود که رهبری آن با طبقه کارگر باشد . پرولتاریا بنا به ماهیت طبقاتی خود ، سر سخت ترین دشمن امپریالیسم است . او قادر است در مبارزه ضد امپریالیستی توان همه طبقات و اقشار رضا امپریالیست را به خدمت گرفته و نیروی متحدی از قدرت خلق بوجود آورد . تنها پرولتاریا قادر است که با رادیکال ترین شیوه ها به جنگ امپریالیسم برود و فقط رهبری این طبقه است که قادر به نابودی امپریالیسم و به پیروزی رساندن خلق خواهد بود .

بار دیگر خاطره دکتر مصدق را گرامی میداریم . او مردی بود که در راه آرمان های ملی خود مبارزه کرد و تا به آخر نیز بدان وفادار ماند و این در کشور ما که سالهای سالست تحت سلطه امپریالیست ها قسرار دارد ، خاطره او را جاودان میسازد . خلق ما بهر کس که واقعا " در راه رهایی میهنمان از قید امپریالیست ها مبارزه کند ، ارج میگذارد و مصدق یکی از این مبارزان بود .



هم میهنان عزیز!

چریکهای فدائی خلق ایران برای پیشبرد امر مبارزه شدیداً " به کمک مالی شما نیازمندند . این کمکها را بوسائل مقتضی و از طریق مطمئنی که خود می شناسید در اختیار ما قرار دهید .

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

بر رهبری طبقه کارگر

رفقای مسئول توزیع خبرنامه

بهای خبرنامه ۲۰ ریال است ، ولی برای توزیع آن در بین زحمتکشان پولی دریافت نکنید .

بهای این شماره استثناً ۳۰ ریال میباشد .